بنام خدا

اُمید

در امریکا نسخه $1.50

هفته نامهٔ مردم افغانستان

شمارهٔ ۱۰۲۳

شمارهٔ ششم /سال بیست وپنجم / ۲۰ اسد ۱۳۹۵ / ۱۰ اگست ۲۰۱۶ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۲۳

افغان مینی مارکیت عرضه کنندهٔ انواع مواد خوراکهٔ وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی درمنطقهٔ واشنگتن بزرگ
که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبت تقدیم میکند
ارسال پول به همه دنیا بزودترین فرصت با
Western Union
6566 Backlick Rd.Springfield. VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

بیمهٔ استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®

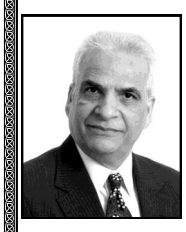

For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت
حیات، تجارت

STATE FARM INSURANCE

ملکا ذکـــــر تو گویم که تو پاکیی وخدایی نروم جز به همان راه که تو ام راه نمایی
همه درگاه توجویم، همه ازفضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
توحکیمی توعظیمی توکریمی تو رحیمی تو نمـــایندهٔ فضلی، تو ســـــــزوار ثنایی
همه عزی و جلالی ، همه علمی و یقینی همه نوری وسروری همه جودی وسخایی
حضرت ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی (رح)

والی بامیان متهم به تبعیض قومی شد

۱۷اگست/کابل – تلویزیون نور: درهمایشی درپارک شهرنو کابل، شماری ازبامیانیها مقامهای محلی را به رفتار دوگانه در برابر باشندگان بامیان متهم کرده میگویندمسوولان محلی شماری از آنانرا اجازه نمیدهند تا ازملکیتهای شخصی شان استفاده کنند. محی الدین فرهمند باشنده ولایت بامیان میگوید حکومت محلی زمین های شماری از مردم را تحت نام ساحه سبز غصب کرده است. وی ازحکومت میخواهدبه وضعیت بامیانیها توجه جدی کند.معترضان بامیانی همچنان هشدار می دهند که اگر حکومت مرکزی به خواست های شان توجه نکند، به اعتراض های گسترده دست خواهند زد.

تلاش کردیم تا دیدگاه والی ولایت بامیان را نیز در این خصوص داشته باشیم، اما والی بامیان با تماس های مکرر حاضر به پاسخ گویی نشد .

تشدیدحملات طالبان بر هیرمند

۱۷اگست/هیرمند– تلویزیون نور: مسوولان ولایت هیرمندمیگویندازدو روز بدینسوحملات تهاجمی طالبان برولسوالیهابویژه شهرلشکرگاه مرکزولایت افزایش یافته نظامیان برای دفع حملات مقاومت میکنند.شیراحمدکاکرمسوول کمیته امنیتی شورای ولایتی هیرمندگفت ضعف مدیریتی مقام های امنیتی در رهبری جنگ سبب شده تا طالبان حملات شان را به بخش هایی این ولایت گسترش دهند.

نسیمه نیازی، نماینده مردم هیرمند درمجلس نمایندگان گفت طالبان حملات خود را به شهرلشکرگاه آغازکرده‌اند وشهر درمحاصرهٔ شان قراردارد. هم اکنون طالبان برتپه سرکارکه منطقهٔ استراتیژیک ومشرف برشهراست قراردارندوبسیاری از مسیرهابه مرکزلشکرگاه ازجمله شاهراه هیرمندقندهاروکابل بروی ترافیک مسدود شده وطالبان پل وپلچکها رامنفجرساخته مسیررفت وآمدبطور قطع مسدودند.تاکنون نیروهای امنیتی به هیرمنداعزام نشده ومقامهای امنیتی ولایت نیزبرنامه درستی در سرکوب هراس افگنان در این ولایت روی دست نگرفته اند. این اظهارات درحالی مطرح میشود که چندی پیش سخنگوی وزارت دفاع ملی گفته بودطالبان تلاش دارندشورای کویته را ازپاکستان به هیرمند منتقل کنند.

خارجیها جنگ ولسوالی پشترود رامدیریت میکنند

۱۷اگست/فراه– تلویزیون نور: مقامهای امنیتی فراه میگویندرحال حاضر هشتاد شهروند خارجی در ولسوالی پشت رودرهبری جنگ طالبان برضد نظامیان کشور را برعهده دارند. محمدغوث مالیار، آمرامنیت فراه میگوید گزارش‌های پلیس نشان می‌دهد که حدود هشتاد فردیگانه درمیان طالبان حضور دارنداما به درستی مشخص نشده که ازکدام کشورهستندوجنگیکه طالبان درولسوالی پشت رود براه انداخته‌اند مسلکی وحرفوی به پیش میرود و پیشبرد این جنگ کار افراد افغانستانی این گروه نیست. در این مدت علاوه بر اینکه حدود دو هزار خانواده بیجا شده اند، به مردم خسارات مالی نیز وارد شده است. به گفته‌ی آمر امنیت فراه، درپی درگیری‌های شدید، چندین روستادر پشت رود ازحضورمردم خالی شده است.چندی پیش، معاون والی فراه گفته بوددرمیان هر پنج طالب، یک فرد پاکستانی حضور دارد.

آمرپلیس لغمان درجنگ با طالبان شهید شد

۱۷اگست/لغمان– تلویزیون نور:دردرگیری نظامیان وهراس افگنان در ولایت لغمان، آمرپلیس محلی شهید شد. درگیری در منطقه حکیم آباد صورت گرفت که درپی عملیات مقدار زیادی سلاح و جنگ ازفزار به دست نظامیان افتاده است.

آتش سوزی درکابل جان یک نفر راگرفت

۱۷اگست/کابل– باختر: آتشسوزی در ساحه کوته سنگی خسارات جانی و مالی را بار آورده وپلیس تاکنون مرگ یکنفر را در این حادثه تائید کرده است .آتش سوزی حوالی ساعت نه و پانزده دقیقه صبح در مارکیت ده طبقه یی اباسین زدران به وقوع پیوست .اطلاعات اولیه نشان میدهد که آتش سوزی ناشی از شارتی برق بوده مگر شماری از دوکانداران مارکیت حادثه را ناشی از خرابکاری و یا هم عمل قصدی میدانند. بعضی دوکانداران میگویندراول سر و صدا هجوم انتحارکننده به مارکیت پخش شد، بعداز آنکه همه از مارکیت فرار کردند در منزل دهم نشانه های ازآتشسوزی به چشم خورد، آتش به سرعت گسترش یافت در ابتدا منزل دهم را فرا گرفت مگر بعداً دامنه آن توسعه یافت، دراین مارکیت اضافه از یکهزار دوکان فعال بود.موظفین اطفائیه حدودچهل دقیقه تاخیر به محل واقعه رسیدند، عدم موجودیت تجهیزات کافی مانع تسریع کار موظفین اطفائیه شد، موظفین وسایلی نداشتند تا آتش را درمنزل دهم مهار کنند.شماری از دوکانداران ادعاکردند که دراین حادثه چند نفر کشته شدند و شماری هم از اثر تنفس دود متاثر گردیده اند. درحالیکه تا اکنون از آتش سوزی درمارکیت اباسین زدران اضافه از پنج ساعت میگذرد مگر اطفائیه کابل تااکنون موفق به مهار آتش نشده است. (بقیه درص۸)

درگیری اردو و پلیس درمیدان وردگ

۱۵اگست/میدانشهر– باختر: درنتیجه درگیری نظامیان اردو وسربازان پلیس درولایت میدان وردگ شش تن زخم برداشتند.درگیری ناوقت روزگذشته ظاهراً درپی گفتگوی آنان درولسوالی حصه اول بهسود رخ داده است.یک مسوول ولسوالی بهسود که نخواست نامش فاش شود گفت درگیری پس ازیک ساعت با پا درمیانی مردمان محل و دیگر نظامیان پایان یافت وقوماندان یک کندک اردوی ملی ویک افسرپلیس شامل زخمیان اند. تاکنون سبب درگیری روشن نیست .

۷۰٪ نیروی داعش اعضای طالبان پاکستان هستند

۱۲اگست/کابل –باختر:جنرال نیکلسن قوماندان عمومی ناتو گفت ۷۰٪ نیروهای داعش درافغانستان ، اعضای سابق تحریک طالبان پاکستان هستند.این اظهارات از دو سو مورد بحث است : اول اینکه چگونه این گروهها واردافغانستان شدند،دوم اینکه پاکستان بعنوان مرکزآموزش هراس افگنان میکوشدباحرکات نمایشی بار هراس افگن پروری را از شانه ها دورسازد . اما زمانیکه گفته میشود ۷۰٪ نیروی داعش درافغانستان اعضای سابق تحریک طالبان پاکستان میباشند،این تلاشها را نقش برآب میسازد. به باور آگاهان، پاکستان درقبال گروههای مختلف هراس افگن باراهکارهای مختلف برخورد میکند، هراس افگنان را(چیج)غربال میکند وخوب وبداز آن میسازد، وبا انجام عملیاتهای نظامی هراس افگنان را به افغانستان انتقال میدهد تا باشد در یاری آنکشورمراکزآموزش وپرورش هراس افگنان به افغانستان منتقل گردد. اینگونه نظرسنجیهای مقامات پاکستان ازنظر زعامت کشور دورنمانده درآنزمان رییس جمهور گفته بودعملیات پاکستان دروزیرستان شمالی وجنوبی باعث جابجایی گروههای هراس افگن درافغانستان شده است،تحرکات داعش درننگرهار وسایر مناطق مایه ازاین عملیات دارد.

بهرصورت زمانی گفته میشود بخش بزرگ نیروهای داعش را طالبان پاکستانی میسازند این مساله مطرح میشود که مراکز آموزش وپرورش طالبان پاکستانی درکجاست، پاسخ ساده وآسان است امروز نه تنها افغانستان بل دنیا می داند که این مراکز در پاکستان است و پاکستان حامی درجه یک هراس افگنان درمنطقه است.

کشته شدن جنرال پاکستان با ده ها طالب درغزنی

۱۲اگست/غزنی– باختر: جنرال امین الله عمرخیل قوماندان امنیه ولایت غزنی گفت نیروهای هوایی افغان وناتو عملیات مشترک را درولسوالی گیلان قریه نوکاریزانجام دادندکه درنتیجه۴۸ طالب بشمول یک جنرال پاکستانی به اسم کامران کشته شده و۸ نفرزخمی شدند.این جنرال پاکستانی بامشاورش هنگامیکه طالبان رادرمخفیگاهی جمع کرده بودند آماج قرارگرفتند. عمرخیل افزوددرین عملیات۴۵ موترسایکل تخریب ومقداری سلاح ومهمات بدست نیروهای امنیتی افتاده است.

فرود اضطراری هلیکوپترپاکستانی تحقیق میشود

۱۶اگست/کابل –بی بی سی:دولت افغانستان اعلام کرد هیاتی را برای بررسی ابعادمختلف حادثه نشست اضطراری یک هلیکوپترپاکستانی درخاک افغانستان تعیین کرده است.وزارت دفاع افغانستان دیروزگفت مشغول جست‌وجوبرای یافتن خدمه هلیکوپترپاکستانی است که پنجشنبه ۱۴اسد/ مرداد درمناطق تحت کنترول طالبان درجنوب شرق افغانستان نشست اضطراری کرده بود.طالبان پس ازنشست هلیکوپتربه آن حمله کرده وهمه عسرنشین آنرا باخود برده‌اند.

درخبرنامه ریاست جمهورآمده:دولت افغانستان تاییدمیکندکه پاکستان تقاضانامهٔ رامبنی برضرورت عبوریک فروندهلیکوپترنوع MI ۱۷ آن کشورازفضای افغانستان به مقصدازبکستان برای ترمیم دریک کارخانه متعلق به روسیه، به دولت افغانستان تسلیم کرده بود و اکنون افغانستان مشغول تحقیق این است که آیامشخصات هلیکوپتر فرودآمده با آنچه درتقاضانامه دولت پاکستان درج شده، مطابقت دارد یاخیر. دولت افغانستان گفت درجلسه امروزیک کمسیون موظف شدتاقوانین، مقررات وطرزالعملهای موجود دراین زمینه رابه منظور رفع فوری خلاء های احتمالی، موردبررسی قرارداده، طرح جامعی راکه ازتکرار چنین حوادث بطورکامل جلوگیری کند، به کمیته تقنین کابینه تقدیم کند.

گفته میشودتمام خدمه این هلیکوپتراتباع پاکستان بوده‌اند.عاصم بجواه، سخنگوی ارتش پاکستان در توییترش نوشت شایعات مربوط به حضوریکی ازبستگان نزدیک راحیل شریف، رئیس ستادارتش پاکستان در میان سرنشینان این هلی کوپتر صحت ندارد.

پیشترگزارشهایی منتشرشده بودکه یکی ازبستگان نزدیک جنرال شریف در میان سرنشینان اسیر شده این هلی کوپتر است. بجوا همچنین نوشته که راحیل شریف باغنی احمدزی وجنرال جان نکلیسن، فرمانده نیروهای امریکاو ناتو در افغانستان، درباره این خدمه‌ها تلفونی صحبت کرده خواستارکمک برای نجات آنان شد.غنی اطمینان دادکه ازتمامی امکانات برای رهایی آنان استفاده خواهد کرد.

بن بست اصلاح نظام انتخاباتی شکسته میشود

۱۷اگست/کابل– تلویزیون نور: به تازگی کمسیون نظارت برتطبیق قانون اساسی اعلام کردکه حکومت میتواند مطابق به قانون اساسی نظام انتخاباتی رااصلاح کند. درنامه این اداره به ریاست جمهورآمده که مطابق ماده ۷۹ قانون اساسی، رییس جمهورمیتواند درجریان تعطیلات شورای ملی درمورداصلاحات انتخاباتی فرمان جدیدصادر کند. حکومت باتوجه به این نامه، تصمیم اصلاح نظام انتخاباتی را داردو کار روی اصلاحات انتخاباتی جریان دارد و به زودی این مساله اعلام خواهدشد.

شماری ازاعضای مجلس سنا طولانی شدن اصلاحات انتخاباتی رازیانبار خوانده ازحکومت میخواهندسر نوشت انتخابات مجلس نمایندگان و شوراهای ولسوالی را مشخص کند.

احتمال سقوط فراه به دست طالبان

۱۸اگست/فراه– صدای امریکا: رئیس شورای ولایت فراه میگویددر صورت نرسیدن قوای اضافی فراه نیزبه سرنوشت قندزگرفتارخواهدشد. فرید بختاور گفت تمام مناطق اطراف وراه‌های مواصلاتی به مرکزآن ولایت در محاصره مخالفان مسلح دولت است.

فراه همواره شاهد حضورگستردهٔ مخالفان بوده واینباردستخوش جنگی خونین است. از دو هفته به اینسو درگیری در ساحات مختلف به ویژه ولسوالیهای بالا بلوک و پشت‌رود این ولایت ادامه دارد. رئیس شورای ولایتی فراه افزودشاهراه عمومی درمحاصره طالبان است و نیروهای محلی –در حالت دفاعی –بدون حمایت حکومت مرکزی در مقابله باآنان آسیب پذیرند.

محمدآصف ننگ والی فراه نیزوجود تهدیدات بلند امنیتی را در ولسوالی‌های پشت رود و بالا بلوک آن ولایت می‌پذیرد؛ اما از وارد نمودن تلفات شدیدبه طالبان سخن زدو گفت درنبردهای اخیر ۴۶جنگجوی مخالف دولت کشته شده و نیز نیروهای طرفدار دولت هفت کشته و ۱۵زخمی داده است.

آیا میتوان حرکت قندهاررا گسترش بخشید؟

۱۳اگست/کابل –باختر: قوماندان امنیه قندهار دریک حرکت معقول استفاده از روپیه پاکستانی درقندهار را منع کردو شماری هم به استقبال این تصمیم روپیه پاکستانی را آتش زدند.این حرکت ثبات نسبی افغانی رادربازارهای تبادله ارز باخودداشت. روزگذشته هردالرامریکا ۶۸ افغانی تبادله میشد اماامروزیک دالرامریکا ۵۰/۶۵ افغانی تبادله میشود.این مساله به وضاحت میرساندرایج شدن ارز خارجی دربازارها و معاملات تجارتی ضربه شدید رابه ثبات افغانی درپی داشته است امروزه خرید وفروش جایدادها درافغانستان به ارز خارجی صورت میگیرد . خریدوفروش موتربه روپیه پاکستانی انجام میشودیا به دالر امریکاو گذشته ازآن دربرخی از ولایت ها سرحدی روپیه پاکستانی دربازار ها درکنار افغانی چلند دارد.

هرگاه مقامات دولتی و نهادهای مسوول بخواهند از حرکت معقول که در قندهار صورت گرفت حمایت کنند مسلماً افغانی در بازارهای ارز از ثبات بیشتری برخوردارخواهدشد.ثبات اقتصادی پیوند نزدیک و سازنده با ثبات سیاسی دارد و این چنین اقدام ها میتواند درثبات افغانی که مسلماً اثردرثبات اقتصادی نیست موثر واقع شود.اگرچنین نمی بود دالردریک روزتقریباً بیشتر از دوافغانی کاهش ارزش دربرابر افغانی رانمی داشت .منافع ملی کشور از تجار ومعامله کنندگان بزرگ میخواهد که کوشش کنند درمعاملات تجارتی از افغانی استفاده کنند زیرا افغانی هویت مردم کشور میباشد.

تلفات سنگین داعشیان درننگرهار

۱۵اگست/جلال آباد– باختر:درجریان تازه ترین حمله های هوایی و زمینی برمواضع داعشیان درولایت ننگرهار تلفات سنگینی به این گروه وارد شده است. این حمله ها در چارچوب عملیات نظامی موسوم به قهرسیلاب برمواضع داعش در بخشهایی ازولسوالی های رودات ، اچین و کوت در۲۴ساعت گذشته انجام شده است.رویداد نخست شب گذشته هنگامی شکل گرفت که قوای هوایی افغانستان وناتومواضع داعشیان درولسوالی رودات را آماج قراردادندکه دراین حمله های هوایی هفده عضوداعش کشته شدند و شماری نیز زخم برداشتند.اتباع پاکستانی نیز مشمول تروریستان کشته شده اند.دراین حمله هابه غیرنظامیان آسیب نرسیده است.

طبق یک خبردیگر:هشت داعشی در یک درگیری درولسوالی اچین کشته شدند.این درگیری بامداد امروز هنگامی رخ داد که گروهی ازداعشیان برکاروان حامل نظامیان شامل عملیات حمله کرد.دراین درگیری هشت داعشی کشته شدندوده تن شان زخم برداشتند.درگیری پس ازحمله طالبان برنظامیان شامل عملیات دراچین رخ داده است. خبردیگر حاکیست:هفت داعشی به شمول یک قوماندان این گروه درحمله قوای هوایی افغانستان درولسوالی کوت ننگرهار کشته شدند، آنهادرمخفیگاهی مشغول سازماندهی یک رشته حملات تروریستی بودند. مقامات نظامی ننگرهارمیگویندرین حمله قوای هوایی افغانستان به غیرنظامیان آسیب نرسیده است .

وزارت دفاع : حاضریم ازمصارف حساب بدهیم

۱۴اگست/کابل– باختر: سیگاریا اداره تفتیش مرکزی امریکاکه برروند مصارف آنکشور در افغانستان نظارت دارد، میگوید: ایالات متحده تا اکنون۱۷ ملیارد دالر برای تجهیزنیروهای امنیتی ودفاعی افغانستان خرج کرده است. جان سپکو بازرس ویژه امریکا درامور بازسازی افغانستان گزارشش آورده که امریکاتا۳۱ می ماه ۲۰۱۶حدود ۱۳ ملیارد دالر برای تجهیز اردوی ملی و ۴.۲ ملیارد دالر دیگر را برای تجهیز پلیس ملی مصرف کرده است.درگزارش ادعاشده تعداد کلی نیروهای امنیتی ودفاعی افغانستان تااپریل امسال ۳۱۹۵۹۵ نفربوده درحالیکه این تعدادبه فبروری ۲۰۱۴به۳۳۸۱۰۸ تن بود، کاهش چشمگیری داشته است.

باآنکه سیگاراز مصرف هفده ملیارد دالری برای ارتش افغانستان سخن میگوید برخی منابع دیگرامریکاگفته انددولت آنکشوربدلیل سوء مدیریت بایدیک ملیارد دالربرای ترمیم ونگهداری تجهیزات ارتش افغانستان هزینه کند. این منابع ادعاکرده اندپروژه ملیونها دالری امریکاکه پنجسال پیش باهدف حفظ دههاهزار وسیلهٔ نقلیه وتجهیزات نظامی ارتش افغانستان ایجاد شده بود، حالا با مشکلاتی مواجه است.

سخنگوی وزارت دفاع ملی میگویدهدف اصلی گزارش اخیر سیگار معلوم نیست. جنرال دولت وزیری درواکنش به گزارش سیگارگفت: وسایط اجناس و وسایلیکه جامعه جهانی به اردوی ملی داده، نزدماقرار دارد وزارت دفاع ملی۸۵٪ اکمال است وماحاضربه حساببدهی هستیم . اما بعضی ازوسایط را مایین زده وبعضی از وسایط غیرفعال شده که ازآنهم فورم واسناد دردست است .(دنباله درصفحهٔ۸)

داکتر نوید پارسا

هاشمی در برزخ خیالبافی های حقوقی و واقعیت های سیاسی اجتماعی

اخیراً جناب استاد داکترمحمدطاهرهاشمی نامه سرگشادهٔ عنوانی« جناب رئیس جمهور »؟؟؟ در روزنامه وزین هشت صبح به نشر رسانده است. درین نوشته ایشان، باتائیدانتقاد استادمحترم، ازبخشی ازنارساییهای ذکرشده ازین حکومت ،ازدید من اشتباهات عمده حقوقی و سیاسی موجوداست که غرض جلوگیری ازطوالت کلام بصورت موجز در ذیل به شکل شماره وار تذکر میدهم:

۱- نوشته داکتر هاشمی برین دید بنا شده که ما یک انتخابات سالم ریاست جمهوری بی شایبه ومشروع داشتیم ورئیس جمهور انتخابی قانونی داریم. واقعیت طوریکه همه میدانیم چیزدیگری میباشد. نمیدانم چرا درسراسرنوشته خود استاد ازتقلب و نتیجه منطقی آن که عدم مشروعیت میباشد ذکری نمیکندومانندمداحان قرون قبلی که شاعران دروصف شاهان مدیحه سرایی میکردند آقای هاشمی به جای خطاب نمودن غنی منحیث رئیس حکومت وحدت ملی (جناب رئیس جمهور) میگویند و مهرمشروعیت بر وی می چسپانند.۲- مبتنی برین دید غلط جناب هاشمی اجرای قدرت مطلقه را تجویز فرموده وبه قهرمان انتخابی خودخطاب مینماید که چراتفاهمنامه راامضاء کردی و ثنویت قدرت را بمیان آوردی وتمام بدبختی ها رافقط ایجاد این ثنویت قدرت میداند. عمدتن طوریکه همه شاهدیم غنی احمدزی مانند یک شاه مطلقه عمل می نماید و اکثراً واکنشهای بعد از تصمیم غنی مانع اجرای خودکا مه قدرت بالوسیله وی شده است. تا جاییکه من میدانم تا حال در زمینه اعمال صلاحیتها بین دوراس قدرت توافقی به شکل تحریری بمیان نیامده وغنی احمدزی حتی بدون مشوره با معاونین خود اجراات می کند.

۳- آقای هاشمی طبق گفته(هابس) دروجودرئیس جمهورغنی Leviathan« "خودرایافته و ویرامشوره میدهد که اجرای قدرت مطلقه نماید واین وجیزه حقوقی رافرا موش کرده که قدرت فاسدمیسازد وقدرت مطلق مطلقن فاسد میسازد. اماآقای هاشمی نمیداندکه غنی درحیات سیاسی سی سال اخیرخودبرمحوراندیشه تبارگرایی فعالیت سیاسی نموده وحمایتش ازطالبان درسالهای نود سده گذشته مبتنی برین دید بود. درجریان انتخابات اخیرمکنونات قلبی اوباردیگر تجلی یافت. مصاحبه هایش درباره زندانیان بگرام از یک قوم و مورد هدف بودن یک قوم درعملیات نظامی هوایی مثالهای تازه این تمایلات منفی قومگرایانه اومیباشد، ضرورنیست مثالهای دیگری راذکرنمایم. آقای هاشمی مدافع وحامی قبیله گرایی غنی وهمراهان قوم محور وی میباشند. بهتر است آقای هاشمی درپهلوی دروس قدیم حقوقی که در دهه شصت سده گذشته مطالعه کرده اندمطالعات سیاسی اخیرقرن بیستم وآغازسده جدید را درباره مشارکت سیاسی دریک جامعه کثیر الاقوام مطالعه فرمایندو بر وفق آن نهادهای سیاسی را غرض استحکام وحدت ملی و مشارکت سیاسی عادلانه پیشنهاد نمایند.۴- آقای هاشمی ازحاکمیت ملی واینکه رئیس جمهورممثل قدرت عالی می باشد، درک نادرست وغلط دارند وحتی همین قانون اساسی موجود را درست درک نکرده اند. بروفق ماده چهارم قانون اساسی حاکمیت ملی درافغانستان به مردم تعلق داردکه بطورمستقیم یانمایندگان ملت تمثیل میشود. طبق ماده هشتاد ویکم این قانون شورای ملی مظهر اراده مردم است. عده زیادی ازصلاحیتهای رئیس جمهور مندرجه درماده شصت وچهارم قانون اساسی باساس اصل حاکمیت مردم بعداز تائید نمایندگان مردم اجراء میشود و رئیس جمهورتابع اراده ملت میباشد. به همین منوال طبق ماده شصت ونهم رئیس جمهوردربرابر ملت و ولسی جرگه مسئول می باشد. احتمالاً استادهاشمی یک کتاب قرن هفده زمان لویی چهاردهم (دولت منم) را مطالعه کرده باشند که حاکمیت را نویسندگان آنزمان متعلق به یک فردمیدانستند. شایدباساس سفارش هاشمی صاحب، کرزی واحمدزی مانندیک نظام شاهی مطلقه عمل کرده باشند.

۵- برطبق این استنباط غلط ازاصل حاکمیت ملی وغیرقابل تجزیه بودن حاکمیت که آنراواحد وغیرقابل تجزیه دریک حکومت دموکراتیک میداند،استاد جدولهایی رارسم وبروفق تعبیرخود اصل اعمال صلاحیت مساویانه ومشترک را مورد سوال قرار داده است. با این نوع دید چنین تصوری بمیان میایدکه استاد درقرن هفده زندگی می نماید. امروزاجرای قدرت ملی درعده زیادی ازکشورها باساس اصل حاکمیت مردمی چه در نظام غیرمتمرکز، نظام صدارتی وچه هم درنظام های فدرال امریکا، کانادا... اجرای قدرت درسطوح مختلف صورت میگیرد.

۶- واضح است که اعمال صلاحیتهای مندرجه ماده شصت وچهارم قانون اساسی بالوسیله رئیس جمهور، که درمواردی بعداز تائید نمایندگان مردم صورت میگیرد، بالوسیله رئیس جمهور مشروع انتخابی عملی میشود. مشروعیت اعمال قدرت ،ناشی از اراده ملت و انتخابی بودن رئیس جمهورمیباشد. رئیس جمهور غنی چنین مشروعیتی ندارد و رئیس جمهوری است باساس یک تفاهمنامهٔ که در ذیل آن ملل متحدوامریکا امضاء نموده است.همه استدلال آقای هاشمی بدین اساس باطل میباشد. درنتیجه گیری خودهم داکترهاشمی هیچ راه حلی رابه غیراز کمسیون سازی و توصیه های اخلاقی ارایه نمیکند. جناب هاشمی از اتوکراسی و اجرای مطلق قدرت حمایت می نماند.

۷- من تبصرهٔ درماه جون امسال درفسبوک خود پست نموده بودم و حال این تبصره را منحیث نتیجه این بحث درین جا درج می نمایم: چند نکته مهم که باید بار بار تکرار شود:۱- رئیس جمهور انتخاب شده باساس قانون اساسی نداریم. ۲- اساس مشروعیت این حکومت (رئیس جمهور ورئیس اجرائیه) را توافق سیاسی تشکیل میدهد که ملل متحد و امریکاناظرین این توافق بودند. ۳- باساس توافق ۵۰/۵۰ اعمال قدرت ماده شصت وچهارم قانون اساسی درباره صلاحیتهای رئیس دولت مشترکن بایدصورت گیرد.۴- شیوه عملی تطبیق این ماده عبارت ازامضای متقابل هردوفرد در راس قدرت درتمام اسناد (فرامین، مقرری ها...) میباشد .۵- زمینه قانونی ایجاد نظام صدراتی بمیان آورده شود.۶- از لحاظ پروتوکول هر دو باید در راس مجالس نشسته و یکی تابع دیگری نمی باشد.

با سیه دل چه سود گفتن وعظ — نرود میخ آهنین در سنگ

حامدکرزی و زلمی خلیلزاد (دنباله ازستون سوم)

جبهه ایکه به غلط جبههٔ ملی نامیده شده بود، یکسال پیش تشکیل شد. آنچنانی که جنرال اکین بری (سفیر امریکادر کابل) چندی پیش پیش بینی کرده بود که رژیم ازداخل مواجه به انفلاق میباشد، رویدادهای بعدی بر آن صحه گذاشت./(دنباله دارد)

کمسیون عدلی ... (دنباله ازستون دوم صفحهٔ سوم)

– رابرت ام گیت, سابق وزیردفاع امریکا درکتاب DUTY که حاوی (یاد داشتهای یک وزیردرجنگ) عنوان دارد, درحدودچهل مرتبه به ارتباط موضوعات مختلف ازکرزی یادکرده اما حالتیرین همهٔ آن دربراگراف دوم

(صفحهٔ ششم)

Omaid Weekly
P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
mkqawi471@gmail.com
ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

محمد طاها کوشان — فریمونت – کالیفورنیا

شف شف نی . شفتالو

بزرگان دانش نیز باید پاسخگو باشند

نکند جور پیشه ، سلطانی — که نیاید ز گرگ چوپانی
پادشاهی که طرح ظلم افگند — پای دیوار ملک خویش بکند
سعدی (رح)

دانشمندفرهیخته ای چون داکترسید مخدوم رهین در باره ماد زایرخان چنین می فرماید: یک پادشاه دموکرات بود . به به به !!!؟

نخست از باب اول کتاب گلستان حضرت سعدی (رح) حکایتی باهم میخوانیم : یکی را ازملوک عجم حکایت کنندکه دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود وجور واذیت آغازکرده تابه جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند واز کربت جورش راه غربت گرفتند،چون رعیت کم شد ، ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت وخزانه تهی ماند و دشمنان زور آوردند.

هرکه فریادرس روز مصیبت خواهد — گو درایام سلامت به جوانمردی کوش
بندهٔ حلقه به گوش ار ننوازی برود — لطف کن لطف که بیگانه شودحلقه بگوش

باری به مجلس اودرکتاب شاهنامه همی‌خواندند درزوال مملکت ضحّاک وعهد فریدون. وزیر ملک راپرسیدهیچ توان دانستن که فریدون که گنج و ملک و حشم نداشت چگونه برومملکت مقررشد؟ گفت آنچنان که شنیدی خلقی بروبه تعصب گردآمدندوتقویت کردند وپادشاهی یافت. گفت ای ملک چو گرد آمدن خلقی موجب پادشاهیست، تو مر خلق را پریشان برای چه می کنی مگر سر پادشاهی کردن نداری ؟

همان به که لشکر به جان پروری — که سلطان به لشکر کند سروری

ملک گفت موجب گردآمدن سپاه و رعیت چه باشد؟ گفت پادشه را کرم باید تا برو گردآیند و رحمت تا درپناه دولتش ایمن نشینند و ترا این هر دو نیست

نکند جور پیشه ، سلطانی — که نیاید زگرگ چوپانی
پادشاهی که طرح ظلم افکند — پای دیوارملک خویش بکند

ملک راپند وزیرناصح موافق طبع مخالف نیامد، روی ازاین سخن درهم کشیدوبه زندانش فرستاد. بسی برنیامد که بنی اعمام سلطان به منازعت خاستند و ملک پدر خواستند، قومی که از دست تطاول اوبه جان آمده بودندوپریشان شده برایشان گرد آمدند و تقویت کردند تا ملک ازتصرف این بدر رفت و برآنان مقرر شد.

پادشاهی کو روا دارد ستم بر زیردست
دوستدارش روزسختی دشمن زورآورست
بارعیت صلح کن وزجنگ خصم ایمن نشین
زان که شاهنشاه عادل را رعیت لشکرست

پاداش شاهی که رعایایش فرزندان خویش را از بس قحطی و خشک سالی و تنگدستی از چنچران به شهر های بزرگ آورده یا فروختند و یا به رایگان به مردم دادند تا حداقل از گرسنگی و تنگدستی بیشتر شان نجات یابند، پادشاهی که در زمانش هرکسی نام امان الله شاه رابرزبان میراندراهی کوته قفلی های زندانهای کابل یاتبعید میشدند. پادشاهی که درزمانش من فارسی زبان اگرآقا وخانم بعوض بناغلی ومیرمن می گفتم و یا می نوشتم متهم به خیانت ملی میشدم .پادشاهی که کتاب تاریخ نویسنده شهیر میرغلام محمدغبار راهمانند نویسنده اش دربند زنجیر و زولانه افگند، پادشاهی که در زمانش دستورشدتا از پیروان مذهب شیعه در ادارات دولتی استخدام نشوند، پادشاهی که درزمانش وکیل اسحق زی دونفراوزبک راپوست کنده و زنده روی خرمن خودشان که به آتش کشیده شده بود زنده سوختاندویا اجسادسوختگان مسابقهٔ بزکشی آراست؛ تا امروزآن قضیه پیگیری نگردید!

پادشاهی که زیرفشارافکار عامهٔ جهانی تن به آوردن مشروطه دادولی قانون احزاب را زیر بالشش گذاشت وتا سلطنت را از کف داد؛ آنرا امضانکرد، که با این کار ازیکطرف سدراه بیشتر آزادی های مدنی گردیدو ازجانبی هم هر صدراعظمی که میخواست یک قدمی برای رفاه و آسایش و گسترش مدنیت بردارد، باخیمه شب بازیها اورا برکنار می کرد، پادشاهی که هیچگاهی دستور سرشماری را نداد و همیش همه ارقام را دروغ به خورد مردم کشور و جامعه جهانی میداد، پادشاهی که دستور داد تا سه سال همه دوایر حکومتی به پشتو بنویسند؟!؟ و همچنان دستور داد تا کورسهای پشتو دایر شود. نتیجه اش را با هجوم خلقی های غولدنگ و پرچمی های بیمار با کفتانی لیونی سردارماد داوود چی برسرملت آوردند که تاحال آن تخم های کشت تفرقه بیانداز و حکومت کن شان؛ طالب و داعش بار آورد.

این ماد زایرخان عیاش که بهترین مشغولیتهایش دیکچه پزانی بود؛ خواست تا بیخ فرهنگی که از دهلی تا قونیه همه را باهم گره زده بود یعنی زبان عذب فارسی که زبان تنهایک قوم نه، بل ازهمهٔ این جغرافیابودوهست وخواهدبودراز برخاستگاه ش برچینید. نادر غدار و ماد زایر چرسی و عیاش تاتوانستند بین همه اقوام تضاد به میان آوردند که حالا صاف کردن تارگدی پران شان کارحضرت فیل شده.

این مادزایر متعصب، درزندگیش با آنکه میدانست و باورداشت که قهرمان ملی افغانستان شهید احمدشاه مسعود (رح) باپرنسیب ترین و راست ترین و ملی ترین و جانباز ترین شخصیت جهادی، دربرابرمهاجمان شوروی تا طالب آی اس آی؛ بود امایکبارهم نشدکه این حقیقت رابرزبانش براند؛ امابعدشهادتش بااجبارافکارکشوری و جهانی همین قدرگفت: من یک فرزند و افغانستان یک قهرمان را ازدست داد.

دفتر پنجم مثنوی شریف مولانا جلال الدین محمد بلخی (رح)

در تفسیر قول مصطفی علیه‌السلام من جعل الهموم هما واحدا کفاه الله سائر همومه و من تفرقت به الهموم لا یبالی الله فی ای واد اهلکه

هوش را توزیع کردی بر جهات — می نیرزد تره ای آن ترهات
آب هش را می کشد هر بیخ خار — آب هوشت چون رسد سوی ثمار
هین بزن آن شاخ بد را خوکنش — آب ده این شاخ خوش را نو کنش
هر دو سبزند این زمان آخر نگر — کین شود باطل از آن روید ثمر
آب باغ این را حلال آن را حرام — فرق را آخر ببینی والسلام
عدل چه بود آب ده اشجار را — ظلم چه بود آب دادن خار را
عدل وضع نعمتی در موضعش — نه به هر بیخی که باشد آبکش
ظلم چه بود وضع در ناموضعی — که نباشد جز بلا را منبعی
گر دلی رو ناز کن خواری مکش — ور تنی شکر منوش و زهر چش
زهر تن را نافعست و قند بد — تن همان بهتر که باشد بی مدد
هیزم دوزخ تنست و کم کنش — ور بروید هیزمی رو بر کنش
ورنه حمال حطب باشی حطب — در دو عالم هم‌چو جفت بولهب
از حطب بشناس شاخ سدره را — گرچه هر دو سبز باشند ای فتی
اصل آن شاخست هفتم آسمان — اصل این شاخست از نار و دخان
هست آن پیدا به پیش چشم دل — جهد کن سوی دل آ جهد المقل
ور نداری پا بجنبان خویش را — تا ببینی هر کم و هر بیش را

درپایان، ازآن گویندهٔ بسیاردان می پرسم آیا آدمی به چنان (اوصاف) ی که برشمردم را می توان «یک پادشاه دموکرات »خواند ؟! انصاف به دست خوانندهٔ منصف و صداقت پسند این جریدهٔ فریده است . /

سیدفقیر علوی — لورتن – ورجینیا

پژواک ها

قبل توجهٔ افغان اکادمی !

نویسندهٔ محترم کبیرسراج، درشمارهٔ اخیرنامهٔ وزین وخواندنی امید مطالب جالبی درمورد تدویر کنسرتها ذریعهٔ موسسهٔ خیریهٔ افغان اکادمی نشر کرده است. این نویسندهٔ ارجمند نگرانی اعضای این سازمان خیریه رابرانگیخته است .

تدویر کنسرتها عیبی ندارد به شرط اینکه دایرکنندگان کانسرت را محض رایگان برگزارکنندتا سرگرمی وتفریحی به مهاجران خسته و مأیوس هموطن ما باشد. لهذا ازآن موسسه ارجمند جدا تقاضامیکنم که درین موردتوضیح فرمایندتا خاطر ارباب اندیشه مطمین گردد، ولی به این حقیرکه ازاعضای وفادار واخلاصمند آن موسسهٔ گرامی است، این اندیشه پیدا شدکه مبادااین سازمان خیریه ازمبالغی که اعضایش ماهانه میپردازندتا ازآن درمراسم تدفین وفاتحه داری درمسجد، برای هموطنان دردرسیدهٔ ما باآبرومندی واحترام به مصرف برسد. مبادا برعکس جهت تدویر کنسرتها ضایع شود. بنابرین برای رفع تشویش، محترمانه ازآن موسسه خیریه خواهش میکنم که درین مورد بااحساس مسوؤلیت توضیح فرمایند تا خاطرپریشان اعضای وفادارآن سازمان آرام گردد .

همچنان نویسندهٔ محترم ما پیشنهادکرده که بهتراست افغان اکادمی سعی کنددر کنارمسجدمبارک مصطفی، محلی اعمارگردد که بعدازین شست وشوی میت مرحومان بعدی وطنداران مهاجرما باآبرومندی و احترام صورت پذیرد.

استادمحمدصدیق راشدسلجوقی که ازمؤسسین افغان اکادمی هستند، وقتی در صدد ساختمان مسجدمبارک مصطفی برآمد، درکیسهٔ شخصی خویش چیزی نداشت ولی به کمک قرضهٔ بانک واعانهٔ وطنداران مهاجرما موفق به ساختمان با شکوه گردیدکه اینک ادای نمازها و فاتحه خوانی های ما باشرایط آبرومند برگزار میگردد. لهذاازریاست محترم افغان اکادمی خواهش میکنم که به کمک قرضهٔ بانک وکمک هموطنان، درساختمان سردخانه ومحل ششتوی اموات اقدام مقتضی کرده درجوار یانزدیک مسجدمبارک مصطفی (ص) آنرا اعمارنماید تا اموات ما باتطبیق شرایط وآداب دینی آمادهٔ تدفین شوند ومنسوبین شان باخاطرآرام با مصیبت واردهٔ شان روبروگردند. /

****

حامد کرزی و زلمی خلیلزاد (دنباله ازصفحهٔ سوم)

ارتباط بامحافظه کاران نو امریکاوادعای تخصص درموردجهان اسلام، بویژه دربارهٔ افغانستان، عوامل عمدهٔ پیشرفت وی بودند، درغیرآن شغل او بهترازهمصنفان افغانش دردانشگاه بیروت نمی بود.

چیزیکه کمترازآن یادمیشود، جاه طلبی شغلی خلیلزاد درافغانستان میباشد، اکنون بصورت فزاینده روشن شده میرودکه پس ازخروج قوای شوروی ازافغانستان وانتظار سقوط رژیم نجیب الله، خلیلزادبه تنظیمهای هفتگانه درپشاورپیشنهادکرده بودکه پس ازرژیم کمونیستی وی باید رژیم بعدی رادرافغانستان رهبری کند. پیشنهادتعجب آور خلیلزاد توسط رهبران مجاهدین که خودشان برای احرازقدرت باهم در جنگ بودند، به سختی رد شد. این داستان میتواند لقب (زل شاه) راکه او دروانشنگتن کمایی کرده بود تشریح نماید.

اکنون این نظرقبولشده میباشدکه موافقتنامهٔ بن سندی بود بصورت شتابزرده تهیه شده بود، تاحدی توانست بصورت ظاهری نظم وموازنهٔ رادرحالی تامین کند که قدرت رااتحادشمال(جبههٔ متحد) غصب کرده بود. اتحادشمال ادعاداشت که افغانستان راازرژیم طالبان نجات داده اند وفکرمیکردند که قوتهای هوایی وزمینی امریکا عوامل فرعی درآوردن تغییردرکابل بودند. سازمان ملل به نمایندگی ازجامعهٔ جهانی در بن به امورانجام شده که توسط اتحادشمال پیش شده بود، مشروعیت بخشید. یگانه امتیازی که جبههٔ شمال قایل شدآن بودکه به کرزی بیچاره، یک رهبران پشتون، ادارهٔ انتقالی بادادند. خلیلزادهنوزهم تقاضاداشت که او پادشاه سازبود، همچنان پادشاه ساز باقی بماند. رویدادهای بعدی نشان دادکه آن لاف میانخالی نبود بلکه نتایج مصیبت آمیزدرپی داشت.

حالاتیکه جامعهٔ جهانی پس ازسقوط رژیم طالبان بدان روبروبود، مشابه حالاتی بودکه متحدین پس ازآزادسازی فرانسه مواجه بود. حکومت ویچی متلاشی شد، حزب کمونست فرانسه درتمام قدمه های نهادهای دولتی رخنه کردند، حکومت پالیس اعلان شدوجنرال دوگول رهبری فرانسه رابدوش گرفت. دوگول وشمار اندک حامیان او بسیار سیاستمدارانه وماهرانه کمونیستهاوآشوبگران راازحکومت خارج کردند .

متأسفانه لویه جرگه های مختلف که توسط خلیلزاد بصفت نمایندهٔ خاص جورج بوش، آرایش داده شدند، بجای آنکه یک حکومت تکنوکرات، غیرسیاسی رابخاطربازسازی فزیکی واجتماعی رویکارآورند، حالت موجودمهندسی شده در بن رابیشترتحکیم نمودند. آیااتحادشمال ازخلیلزاد پیشی گرفتندویراو شرایط راتحمیل کردندویا اوبصفت کسی که دارای هدف درازمدت باشد ودرعقب تاج وتخت قرارداشته باشد، هدایت صادر میکرد.

باتعیین خلیلزادبحیث سفیرامریکادرکابل، اشتیاق اوبرای راه اندازی یک انتخابات قلابی بخاطر انتخاب کرزی وروابطش باکرزی فزونی یافت. ازجمله کسانیکه در این گیرودارهادخالت داشتند، به غلط آنرا (پروسیهٔ صلح) نامیدند، تنها لخدربراهیمی نماینده سازمان ملل اذعان نمودکه جامعهٔ جهانی مردم افغانستان رانا کام ساخت.

اکنون وسیعا گفته میشودکه حکومت افغانستان ازگروههای مختلف مافیایی رقیب باهم تشکیل یافته است. درآغاز، اتحادشمال درحکومت تسلط داشت، به تلاش خلیلزاد شمارزیاد مافیای امریکایی بسرعت وارد کابل شدند که زر اندوزند و مقامات بلند پایهٔ دولتی رابدست آورند. آنهاموقفهایی رااشغال کردندکه شایستهٔ آن نبودند. خلیلزاد امیدواربودمثل یک(تصمیم گیرنده) دریک منازعهٔ اجتناب ناپذیر میان گروههای رقیب درافغانستان حکم براند، درحقیقت خلیلزاد(آمرهمه آمران و متولی) افغانستان بودکه هم به فطرت وهم به تشنهٔ قدرت بودن اوسازگاری داشت.

روزنامهٔ نیویارک تایمز روابط خلیلزادسفیرامریکاوکرزی رییس جمهورافغانستان رایک رابطهٔ نوکرمنشانه ترسیم کرده بودکه کرزی هروقت توسط اختیاردار امریکایی(خلیلزاد) هدایت مشدوآن توهینی بود به غرورملی مردم افغانستان. من بصورت یقین باوردارم که(رهبر) افغانستان به درستی توصیف شده بود، (زل شان) ازخواندن آن بسیارحظ میبرد، ولی کبروحماقتش برسیمای امریکادرافغانستان به شدت صدمه وارد نمود. خوشبختانه خلیلزادبزودی ازکابل خواسته شدوآرزوهای او که حیثیت وایسرای امریکارادرکابل داشته باشدبخاک یکسان گردید.بدون تعجب حتا خروج خلیلزاد ازکابل خالی اززیبایی بود، خلیلزاد کرزی ودیگران راتشویق کرده بودکه توسط مکاتیب از بوش التماس بدارندکه او درمقامش در کابل بماند.

بارفتن خلیلزاد ازکابل، بیچاره کرزی تنهاماندکه ازخوددفاع کند، ولی ازحمایت سیاسی ونظامی انگلستان برخورداربود. ناکامی نظامی قوای انگلیس درهیرمند وبی میلی بسیاری ازکشورهای ناتو به ضیاع خون و ثروت بخاطر زنده ماندن رژیم مریض، قدرت ذهی کرزی رابصورت فزاینده فرسوده نمود. حامیان ومخالفان سابق کرزی دوباره دورهم جمع شدندتاآیندهٔ خودرا اطمینانی سازندو

(دنباله درستون اول)

عبدالودود ظفری — المیدا – کالیفورنیا

حامدکرزی و زلمی خلیلزاد

** خلیلزاد خودرا پادشاه ساز می خواند، * خلیلزاد آرزوداشت رهبرافغانستان شود،*

** خلیلزاد بصفت وایسرای امریکایی، هدایت می داد،* کرزی وخلیلزاد وابسته به همدیگربودند * مجلهٔ اکانومیست سؤال کردشخص بی کفایتی مانند کرزی چگونه به ریاست جمهور رسید؟ * کرزی وخلیلزاد بدون اعتنابه منافع ملی افغانستان و امریکا، درپی حصول منافع شخصی خود بودند، * لخدربراهیمی نمایندهٔ سازمان ملل اعتراف کرد که جامعهٔ جهانی مردم افغانستان را ناکام ساخت!*

بهلول لودی، مربوط به سازمان ضدجنگ، طی مقالهٔ زیرعنوان «خلیلزاد و گنگ های افغانستان»، دراخیرسال ۲۰۰۷، سوابق حامدکرزی ودوستی ویرا باخلیلزاد به صورت مشرح بیان داشته بود. باوجودیکه از نشرمقاله مدتی میگذرد، چون یک بخش بحرانی تاریخ معاصرافغانستان را پژواک میدهد وبرسرنوشت مردم مابصورت مستقیم تأثیرداشته است، مردم حق دارندازآن آگاهی یابند وبدانند کسانیکه کشور شانرا به تباهی نزدیک کردند، واین درامهٔ حزن انگیز تاکنون هم بزعامت غنی احمدزی ادامه دارد، وخود جزو داره ودستهٔ گنگ بیروت میباشد، دارای چسان شخصیت میباشند.

حامدکرزی وزلمی خلیلزادمسوؤل طرح وتطبیق سیاستهای پس از تهاجم امریکا بر افغانستان در ۲۰۰۱بوده اند که نتایج نکبتبارآن اکثریت مطلق مردم مارازمینگیر ساخته، نارضایتی عام رابرانگیخته وهزاران انسان بویژه جوانان راازوطن متواری ساخت وتمامی دروازه های امید رابروی مردم بسته اند. کرزی وخلیلزاد که ۱۴سال دررأس هرم قدرت قرارداشتند اکنون تلاش میورزند که درآینده هم یاخود براریکهٔ قدرت باشند ویادرتعیین زعیم بعدی نقش کلیدی بازی نمایند. برای تحقق هدف شان ازهرامکانی استفاده مینمایند. ظاهرشدن بیموردکرزی در اجتماعات وفاتحه خوانیها، دیدارباشخاص بانفوذبلی گوی، دعوت از کلانهای مفتخور قبایل دراقامتگاه خود، اعطای تحفه وتارتق به آنهاو قبول پتو، چپن ولنگی ازآنها، اقدام به سفرهای بیجای خارجی، اشتراک درمراسم تدفیق محمدعلی کلی، همه بخاطریست که خود رادرانظار و اذهان مردم بویژه هواخواهانش زنده نگهداردوزمینهٔ بازگشت خودرابه قدرت آماده سازد. حلقهٔ بدنام وچاپلوس کرزی که شامل شماری ازوزیران بی کفایت، وکلای استفاده جو، مامورین عالیرتبه وواليهای فاسد، کلانهای قبایل می باشند، اورابه چنین کاری امیدوارمیسازند.

مردم کشور که حقه بازیهای کرزی وناکارگیهای ویرا درجریان ریاستش دیده اند، او رامستحق هیچ نوع امتیازی نمیشمارند، چنانچه اخیرا خدمتگزاران کابل تصمیم گرفته اند که علیه اقدام نابخردانه وغیرملی غنی احمدزی که میدان هوایی بین المللی کابل رابنام کرزی مسما ساخته است، براه پیمایی بپردازند، زیراهیچکس بجزمردم بویژه شهریان کابل، حق ندارد نام میدان هوایی کابل راتغییر دهد.

زمانیکه خلیلزاد درقدرت بود ودرحکومت بوش مقام بلندداشت، خودرا (پادشاه ساز) میپنداشت، قادربودحکومت امریکاراعلیه سیاستهای ناروای پاکستان دردشمنی باافغانستان برانگیزدوتاحدی مانع قتل وکشتارمردم بیگناه آن شود، کارمؤثری انجام نداد، ولی حالاکه یک آدم عادی میباشد، هیچگونه نفوذی درحکومت اوباماندارد، محض به خاطرمطرح سازی خودبه سفرهای متواتربه افغانستان میپردازد، در مصاحبه های تلویزیونی ظاهرمیشود ونظرات مفت ارایه میداردکه پاکستان بایدمثل کوریای شمالی بخاطرحمایت ازطالبان وتروریسم جهانی ازجامعهٔ جهانی تجریدگردد. اکنون این نظرات میان تهی مانندنوشته روی یخ استکه درپرتوشعاع آفتاب قرارداده شود.

اینک برگردان بخش اول مقالهٔ آقای بهلول لودی مربوط به (نهادضد جنگ) خدمت مطالعین ارجمند تقدیم میشود:

حامدکرزی نواسهٔ خیرمحمد مربوط قبیلهٔ پوپلزایی ازروستای کرز، نزدیک شهرقندهارمیباشد. خیرمحمدخانوادهٔ خودرابرای جستجوی یک زندگی بهتربه شهر قندهارانتقال داد. بصورت معمول پشتونهای قبایل اصیل به نام خانوادهٔ خودیاد می شوند، بنابرین آنها اجبارا نامهای وصفی انتخاب مینماید، مانند کرزی یعنی متولدقریه کرز. افراد متعلق به اقوام دیگرازین امتیاز برخوردارنمی باشند.

خیرمحمدبخاطریافتن فرصتهای بهترازقندهاربه کابل نقل مکان کردودرآنجابه نوا رسید. چون درشهر کابل هوتل وجودنداشت، زمانیکه سران وکلانهای قندهار بکابل می آمدند، ازجانب خیرمحمددعوت میشدندکه درخانهٔ وی بمانند. مادرکلان حامد موضوع پخت وپزوکالاشویی رابه دوش داشت. خیرمحمدبزودی توجهٔ حکومت راجلب نمودوبه یک منبع دلخواه استخباراتی دربارهٔ اوضاع قندهارتبدیل شد، وی در پاداش کارصادقانهٔ خودبه حکومت، به معینیت یک وزارت گماشته شدوبنام (معین خیروجان)شهرت یافت، که نزدقندهاریها این یک اصطلاح تحقیرآمیزبودکه میزان خیانت ویرا نشان میدهد. پدرحامدکرزی، عبدالاحدکرزی بااستفاده ازروابط معین خیروجان، درحلقه های پایانی خانوادهٔ شاهی راه یافت ویکی ازدلقکان بیشمار دربارشد. عبدالاحدباحماقت وگستاخی، علیه یکی ازاعضای کهترخانوادهٔ شاهی بذله گویی کردکه باپرتاب خاکستردانی کرستل بروی جواب گرفت وخون زیادی ضایع نمود. عبدالاحدکرزی ازانتصاب خوددرشورای ملی قدر دانی نکردو انتظار پاداش بزرگتر را داشت.معلوم میشودحامد، پسراحدکرزی ازعین مشکل رنج میبرد. کسانیکه گرفتار چنان مشکل روانی باشند گفتارنامناسب ورفتارنادرست میداشته باشند. برخوردحامد کرزی بابوش رییس جمهورامریکادرانظارعام درمورد ایران، یکی ازرفتارهای نا مناسب اجتماعی جامد(جان) کرزی میباشد.

هنگام اشغال شوروی، عبدالاحدکرزی با(مظنون ها) درپاکستان جایی که پول فراوان وجودداشت، پیوست. شماری ازپسران خودرابه امریکا اعزام کردتا دارایی های خانواده راکه ازراههای مشکوک بدست آمده بود، درآنجاسرمایه گذاری نمایند. حامدکرزی همیشه هدف مزاح خانواده بود ویک آدم نامناسب به زندگی درامریکا فکرمیشد، بهمین خاطر برای تعقیب منافع خانواده به پشاور رفت وبه تنظیم صبغت الله مجددی، یکی ازرهبران کهتر ومتلون مزاج جهادشامل گردید.

مجلهٔ اکونومست طی یک مقاله درآنزمان سوال کردکه چسان شخص ناشایسته مانندکرزی توانست مقام ریاست جمهورافغانستان رابدست آورد.جواب درانکشاف روابط میان زلمی خلیلزادوحامدکرزی دیده شده میتواند. روابط SYMBIOTIC(وابسته به یکدگر)، میان خلیلزاد یک امریکایی جاه طلب وکرزی یک پشتون کم ارزش، زمانی آغاز شدکه خلیلزادهنگام اشغال شوروی، یک موقف فرعی مشاوریت در وزارت خارجهٔ امریکا درامور افغانستان بدست آورده بود.

خلیلزاد یک نام ناآشناوبدون ارتباط درافغانستان بود، ضرورت داشت دربارهٔ قضایای محلی معرفت پیداکند وباطایفهٔ کرزی رابطه داشته باشد. ازسوی دیگر خانوادهٔ کرزی رابطهٔ خلیلزاد رابا وزارت خارجه و مقامات دیگرامریکا برای پیشبرد داعیهٔ ولی نعمت سابق خود، ظاهرشاه ودر انجام برای خود مفید تلقی میکردند. یک بررسی ازشخصیتهای کرزی وخلیلزاد نشان میدهدکه هردودارای انگیزه های قومی ومنافع شخصی خودمیباشند، برمنافع ملی افغانستان یاامریکاچندان اعتنایی ندارند.

اینکه خلیلزاد چسان به پلکان بالای پالیسی سازی دردورهٔ جورج بوش رسید دقیق مستندسازی شده است.تنهاهمین کافیست که گفته شود(دنباله درصفحهٔ دوم)

داکتر غلام محمد دستگیر — برومفیلد- کولورادو

کمیتهٔ عدلی و قضائی مسؤولیت عظیم دارد!

چندی قبل رئیس جمهوراشرف غنی احمدزی کمیتهٔ زیرنام فوق برای محاکمهٔ مشکوکین متهم به جرمهای گوناگون حکومتهای سابقه تشکیل نمودکه بدون تأمل بکارآغازکرد. من ازین فیصله واین پیشآمد استقبال میکنم مشروط براینکه تنها پایان رتبگان یاعالی رتبگان ملکی وعسکری غیرپشتون تحت مایکروسکوپ قرارنگیرندکه این مسؤولیت بزرگ بدوش اعضای کمیته محول میگرددو اگر خداناخواسته قانونی, آزادانه, عادلانه و شفاف عمل ننمایند درقطارکمیتهٔ هاشم خانی عدلی و قضائی محاکمهٔ عبدالخالق هزاره در اوراق تاریخ صفحهٔ سیاهی کمایی خواهندکرد. اگردرجملهٔ متهمین حامدکرزی, فاروق وردک, انوارالحق احدی و اشرف غنی وزرای مالیه زمان کرزی ومشاورین مفتخورو دیگران که اسمایشان لست طویلی بکار دارد شامل نباشد این کمیتهٔ از شروع منتظر ناکامی و بد نامی باشند.برای اینکه کاراین کمیته را آسان کرده باشم دلایلیکه کرزی رئیس جمهور اسبق رادر قطاراول متهمین قرار میدهد , عرض میدارم:

۱- ستیف کول درکتاب Ghost Wars تاریخچهٔ اسرار CIAافغانستان, و بن لادن ازتهاجم شوروی تادهم سپتمبر ۲۰۰۱ درصفحه۲۸۷درپراگراف سوم مینویسد: «.. کرزی مخصوصاً به ستاندرد غرب یک مرد ثروتمندنبود، حساب اسعاری وی هم اکثراً بصورت ناپایدار پایان بنظر میرسید, ولی مبلغ پنجاه هزاردالرازپول شخصی خودبه طالبان دادتا در حوالی قندهارخودرا تنظیم بخشند. اوهمچنین صدها ذخیرگاه بزرگ اسلحه راکه پنهان کرده بود به طالبها ولیدران نامدارقوم پشتون تسلیم نمود». کرزی ازین عمل خودانکارننموده درصفحه۱۳کتاب Descent into Chaos توسط احمدرشیدژورنالیست پاکستانی اعتراف نموده علاوه نمودکه من چندین باربامالا عمرملاقات کرده ام واومیخواست ازطریق وزارت خارجهٔ پاکستان (من بحیث نمایندهٔ اش درملل متحد) با او همکارشوم. دراوایل آنهامردمان خوب بودند. بعدأآی اس آی پاکستان قدرت را بدست گرفته وبه نیابت یا proxyتبدیل شدندو القاعده دربین شان نفوذکرد... کرزی ادعا داردکه روی همین ملحوظ مخالف طالبان شد. ولی کرزی قسمیکه بهمه معلوم است هنگام کارکردش باحضرت صبغت الله مجددی با CIAنیزهمکاری نزدیک داشته درمعاملات پولی بین مجاهدین وسی آی ای رفت وآمد میکرد.

بناء مانتیجه میگیریم که پول تادیه شده برای طالبان ازطرف کرزی از مدرک همان پولهایست که CIAبرای بعضی ازمجاهدین واجنتهای خود ازپنج هزارتاپنجصدهزار میداد، و اینکه بعدا مخالف طالبان شد، گفتاریست دور ازحقیقت.

بایدسوال شودکه اول- طالبان چگونه وبه چه معنی ظهور کردند، دوم- اینکه چگونه حامدکرزی را امریکائیهایاخارجی هائیکه بحیث نفرمعتمد درجوارصبغت الله مجددی درپاکستان میدیدند، و میتوانست به انگلیسی روان باآنها صحبت نماید، توانست اعتماد شانرا بخود جلب نماید. لذا CIAهم به اواعتمادکرده وتحت سایه خودگرفت واکثرمعاملات ضروریهٔ امریکابرای افغانها ازطریق او وتوسط وی در یک هوتل اسلام آبادکه رفت وآمدزیاد دیده میشد, صورت میگرفت, یعنی منحیث یکی ازاجنتهای خود, امریکایها ازوی کارمیگرفتند. ماکه ازطریق انجمن داکتران افغان درامریکابه مجالس کانگرس ووزارت خارجه ادربارهٔ موضوعات افغانستان به واشنگتن میرفتیم درصحن سالون میبودیم وکرزی بادیگرامریکائیها پشت میزهای لوژ برمابه پایان مینگریست. ازینجاست که به استفاده ازکرزی, یک پشتون, خشت اول بنیادطالب که همه پشتون بودند، به مقصدتباهی تاجیکها باپلان آی اس آی وانگلیسها, پول امریکا و عربستان سعودی و فتنه کاری های پاکستان اساس گذاشته شدوکرزی منحیث پدرمادی ومعنوی طالبان عرض اندام کرد.

چون پلانهای پاکستان بعدازجنگهای نیابتی وفریبکاریهای مشرف به ناکامی انجامید, برای اینکه مداخلات وکشتارها وسوختاندنها ودیگر فسادهای پاکستان دوام یابد،بالاثراصرارامریکا وانگلیس، کرزی رادرجلسهٔ بن که بریاست آقای محمد یونس قانونی برگزارشد، بحیث رئیس حکومت موقت درحالیکه چندرای محدود بمقابل رای کثیرپروفیسر عبدالستارسیرت داشت، انتخاب وبالنتیجه بروز۲۲ دسمبر ۲۰۰۱ مطابق اول جدی ۱۳۸۰ براریکهٔ جمهوریت درارگ کابل تکیه زد. بعدبرای دودوره دیگرکرزی با انتخابات تقلبی ودغلکاری رئیس جمهور شدو طالبهارا رسماً(برادرناراضی)خودبه جهانیان معرفی کرد.طالب انتحاری را دوباره با پول هنگفت بدون مجازات، بلکه پاداش به مقرتروریستی اش فرستادتا بازبیایدودر فاریاب انتحار کند وجسم چندین نفر از خواهران وبرادران هموطن معصوم مارابااتفلاق بیرحمانه و برای خوشی باداران پاکستانی و انگریزی خود به هوا تیت و پاشان سازد.

برای فریب مردم ومصروف ساختن استادربانی، اورارئیس یک گروه برای صلح باطالب عزتقرر نصیب ساخت. وقتیکه استاد نزدیک بیک پلان صلح آمیز شد، به اشارهٔ آی اس آی توسط یکی ازنزدیکانش که بمب رادردستارخودجا داده بودشهیدساخته شد؛آوازه ست که سرپرست امنیت ملی(بناغلی معصوم ستانکزی) درآن توطئه دست داشت. متأسفانه فعلاًنظربه قحط الرجالی دربین پشتونها ازیکسو وجمع اوری وجاسوسی فاشیست مآبانه بضدغیرپشتونها برای کمیتهٔ عدلی و قضائی اورئیس امنیت ملی شد! ودرشطرنج حکومتداری غنی احمدزی ازموقعیت وزیری بطرف ریاست حرکت داده شد..درحالیکه مستعدترین مردان کارآگاه امنیت ملی دربین غیرپشتونهاوجود دارد که باید درین موقعیت مقرمیشدند. امانظربدلایل فوق به آنها موقع داده نشد. علاوتأ این متهم قتل شهید استادربانی بایددرلست محاکمهٔ کمیتهٔ عدلی وقضائی درپهلوی رفیقش حامدکرزی قرار گیرد.

پول هنگفت, بلیونها دالردرمملکت سرازیرشد و با بیکفایتی و فساد اداری همه بدون تحصیل نتیجهٔ مثبت قسمیکه لازم بودباوجود دهها مشاورارشدوپلانهای میان تهی همه بیجاوبه هدرمصرف شد. یک قسمت مهم آن دالرهای سبزامریکارابه حسابهای بانکی دوستان, اقارب, سران ولیدرهای اقوام مختلف به بهانه های عجیب وغریب منتقل ساخت. درپایان جمهوریت خودکرزی بعوض اینکه یک افغانستان قوی وپرافتخاربعدازخود باقی بگذارد؛ یک مملکت جنگزده و ضعیف, فاقدعدالت اجتماعی, رشوه ستانی بحد اعلی و به دالر, اجازهٔ استفاده ازکلدارپاکستانی درولایات شرقی, طالبهای قوی و مفسدترین مملکت دنیا..و ... از خود به ارث گذاشت.

راپورمجلهٔ(پیوپل ویت منی) که اورا پردرآمدترین سیاستمدار جهان از ماه مارچ ۲۰۱۵ تا ماه مارچ ۲۰۱۶ معرفی نموده عایدش را درحدود ۱۳ ملیون دالر تخمین نموده اند؛ نمیدانم منبع این عایدات از کجاست زیراگفته بودکه من درحدود پانزده هزارپوندیا دالر دربانک دارم. ولی هنوزهم با دیده درائی که داشت ماه نیم ملیون دالرمصرف دسترخوان وغیره را ازحکومت درخواست کرده بودکه بامقاومت شدیدروبروشد.(خانهٔ آزادی افغانستان)درهفتم ماه می امسال اعلان کردکه کرزی, بزرگترین ناقض قانون اساسی افغانستان بود, ولی دوستانش در نشریات بی بی سی ازذکرنام فسادپیشه اش خودداری کرده اند. ۶۰۰ ملیون دالرحق اطفال وبی بضاعتها رابه طالبان کمک نمودوآن طالبانی راکه ازحبس رهاساخت سبب قتل و قتال در فاریاب, شاه دوشمشیره و درین اواخردرپل محمود خان شدند. داعش که طالب است، مظاهرهٔ هزاره هارا به قتل و شهادت دهها نفر وزخمی شدن تعدادزیاد تبدیل نمودند,ساعت یک ونیم صبح اول اگست ۲۰۱۶در(دنباله درستون اول صفحه دوم)

سیدآقا هنری — هامبورگ - آلمان

چراجهاد ما را بدنام کردند ؟

مسألهٔ پیچیده ایست که برای حل آن من هیچمدان به طوربسیارخلاصه وگذرا چندسطری بنویسم، خوانندهٔ گرامی بایداوضاع بین المللی را نظرانداخت، وچندی به عقب گشت. می بینیم که هنوزحقیقت مرگ جان اف کندی وبرادرش باگذشت اضافه ازنیم قرن معلوم نشده است، ۶۰ سال بعددرجولای ۲۰۱۴سی آی ای اقرار به جنایت خود دربراندازی حکومت قانونی داکترمصدق صدراعظم برحال ایران، و ۳۰سال بعد از ترورالیندی رئیس جمهوررارجنتاین کرد.

جیمی کارتررئیس جمهورامریکا ۷.۱۹۸۰م دربیانیهٔ خود گفت ماسه ماه قبل از لشکرکشی روسیه به افغانستان خبرداشتیم. حداقل هوشداری به مجاهدین ما یا اسلحهٔ مورد نظرراتاجون ۱۹۸۶که مجاهدین به روسها زخم کاری برسانند ندادند. اتفاقامن درورکشاپ موتردرمحل بریمرهافن شمال آلمان ۱۹۸۳ باخانمی امریکائی که رتبهٔ تولی مشری داشت سرخوردم. پرسیدم چرا مجاهدین ماراکه برای آزادی دنیامی رزمند اسلحهٔ کاری نمیدهید؟ بهانه اش ترس وسعت جنگ درصحنهٔ بین المللی بود. وقتی ما۱ملیون شهیدو ۳ملیون زخمی دادیم، انگلیس و امریکامطمئن شدندکه مجاهدین میدان راترک نمیکنند وروسیه دهن ودماغش ازنگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی؛ پرخون شده وجهاد درنقطهٔ آخررسیده در جولای ۱۹۸۶راکتهای بلوپایپ را انگریز و استنگرا امریکاییهادادند، دهل وسرنا نواختند اسلحهٔ مابود که مجاهدین کامیاب شدند، ایرانیها حتی باروسهاهمکاری برضدماداشتند، پاکستانیهاکه خون پدر خودراازروزاول مهاجرت مامیخواهند، چشم طمع ممالک مغرض، و قدرتمند، بخصوص بدنام کردن اسلام، بدنام کردن مجاهدین، جنگ مذاهب وهابی وشیعه؛ که هریک خاندان اهل سعود وایران به صورت مستقیم گماشتگان خودرا ازهرنگاه کمک میکنند، ایالات متحدهٔ امریکا ازاتحادشوروی که میخواست قصد شکست خود را درویتنام بگیرد،(جنگ پیلان (روسیه، ایران؛ مخصوصاپاکستان وخاندان سعودی که میخواهنددرحکومت آیندهٔ ماپایگاه خودرا محکمترکنند، وبلاخاصه

خودخواهیهای کاملا بیجا ی بعضی قوماندانهای جنگسالار بویژه ازحزب اسلامی ومخصوصاجاه طلبیهای شخص گلبدین وحزبش رادر نظربگیریم. علاوتا نواز شریف صدراعظم پاکستان درپارلمان آن کشوربه غروروومُفتخرانه گفت، ازمن دگرچه میخواهیدتمام اردوی یک مملکت همسایه را نابود کرّدم)به کمک حزب گلبدین(ازسال ۲۰۰۱تا۲۰۰۸جنرال مشرف کودتایی، دشمن ترین صاحب منصب اردوی پاکستان درمقابل وطن ما وروبهمرفته تمام حکومت، آی اس اس، و اردوی ظالم پاکستان جنایات شان به مراتب ظالمانه ترنسبت به انگریز، روسَ، وامریکا درملک ما بود. رئیس آی اس آی پاکستان جنرال درانی گفت ما باید بن لادن را ۵ سال دگر ازامریکائیهاپنهان میکردیم که پول زیادی ازآنهامیگرفتیم.)منبع خبری تلویزون آریانا ۱۴.۲.۱۵ کابل(یکروزبعد همین منبع گفت، جنرال مشرف رئیس اسبق پاکستان افشاءکرد، که در ۲۰۰۱ امریکائیها طالبان را ازافغانستان بیرون کردند، مابرای حفظ منافع خود طالبان را مسلح می کردیم. یعنی تمام جنایاتیکه تا امروزدروطن غریب مامیشود به شمول به شهادت رساندن نخبگان جها ما مثل استاد ربانی، آمرصاحب مسعود، جنرال داؤود... کار پاکستانی هاست.

در ۱۹۸۰برژنسکی پولندی نژاد مشاورامنیت ملی رئیس جمهورجمی کارتر،هنری کیسنجروزیراسبق خارجه یهودی نژاد و چندین سناتوران امریکائی وغریبهادرمقابل کمره دراسلام آباد، وشهرپشاورودرمقابل ده هاهزارمهاجرین شعارمیدادنداسلام درخطرافتاده مساجدپامال عساکر روسی میشود، مابایددست بکارشویم، مجاهدین راکمک کنیم، آنزمان دایه های مهربانترازمادر بودند. اما دراگست ۱۹۹۶ خانم مادل البرایت وزیرخارجهٔ امریکا درپشاوربرای خانم های مهاجرین وطن ما درمحضر عام گفت من ازدل شمامی ایم، خودم یهودبودم از گیرنازی ها ازچکسلواکیا به سویس گریختم بعدا به امریکا،اما چندساعت بعد چکی ۵۰۰ ملیونی دالری را جهت اشغال شهر کابل دراسلام آباد به دست جنرالان پاکستانی سپرد.

سران مجاهدین درپاکستان وایران هیچ گونه حق خودارادیت نداشتند، تمام کمکهای نقدی، جنسی، واسلحوی؛ رااول پاکستانیها تسلیم میشدند، بعدا ازکمکهای مالی ممالک دوست، ازگاوی غدودی وسلاح کهنهٔ خودرابه مجاهدین میدادند. باری مجاهدین کوشیدندحکومت مستقلی تأسیس کنند، تابه سوی وحدت ملی پیش روند که شد، بعد مدتی کوتاهی اخترعبدالرحمن که از ۱۹۸۰ الی ۱۹۸۸ رئیس آی اس آی بود، روئسای هرگروپ راخواسته خواهان منحل شدن اتحاد شان شد، فقط استادسیاف یخن این اجنت انگریزراگرفت وگفت این خیانت به عالم اسلام است، اما چارهٔ ندا شتند.

وقتی روس ۸.۲.۱۹۸۹بعد از ۹ سال ۵۱ روزمجبوربه ترک وطن مخروبهٔ ما شدند، یوری گروموف سرقوماندان روس درآخرپل حیرتان که روسها، خلقیها و پرچمی؛ هاآنرا پل دوستی!) می نامیدند رسید، با تفنگچهٔ خود فیری هوایی کرد، بدون اینکه به عقب خود ببیند وگفت دگرروی آرامی رانمی بینید. چرا گفت؟ برای اینکه میدانست اجنتهای شان آرام نمی نشینند وتخم نفاقی را که کشته اند زخمی کاری است.وقتی نجیب رئیس خاد شد تعدادجواسیس خاد۳ هزارنفربودکه آنرا به۱۶هزارنفربالابرداز آنجمله۸هزارآن درپشاورفقط نفاق تولیدمیکردندو ۲۰ هزار ملای دین فروش رامعاش میداد. هنس دیترگنشروزیرخارجهٔ آلمان۵.۱۹۸۱ دربیانیهٔ پارلمانی خودگفت، روسها افغانستان را ترک میکنند، اما ۷الی ۸ سال دوام میکند، جان کیری درجنوری ۲۰۱۵مدت جنگ داعش رادوالی سه سال خواند، اینها ولی نیستندکه آینده را بدانند ولی میدانند، چون خودشان همه کارهارا پلان میکنند.

بتاریخ ۸.۴.۱۹۹۲ مجاهدین حکومت اسلامی را درکابل بنا نهادند، کمونیسم را از صفحهٔ گیتی محو وسنگ نابودی رابرفرقش کوبیدند، انتظارمیرفت که دنیا وطن به خون آغشتهٔ ماراکه پایه های مکتب کمونیسم این دشمن بشریت رالرزاند، دیوار برلین که تقریبا یک سوم خاک آلمان راجداکرده بود، اروپای شرقی وممالک جنوبی همجوار شوروی که همه زیرسلطهٔ روس بود، آزادشدند وحکومت اپارت هایتی افریقای جنوبی ازبین رفت، فرانس جوزف شتراوس معاون صدراعظم آلمان میگفت ازترس راکتهای اتومی روسیه که بن را۵ دقیقه بعد و واشگتن را ۷ دقیقه بعد هدف میگیرد خواب آرام نداریم ، دگرترسی نداشتند. انتظارمی رفت کمک به بازسازی وطن ما کنند، باید مارشال پلانی به پاداش این خدمات میآمد، تاوطن مخروبهٔ خودرا آباد میکردیم، اما وای ازاین خواب وخیال واهی، همهٔ ایشان سفارتخانه های خودرابستند ونقشه های شیطانی خود را برضد اسلام این دین انسان سازپیاده کردند، مجاهدین نام نیکی راکه کمایی کرده بودند باید بدنام میشدند.

باری سناتورامریکا روراییکرمسئول اُمورافغانستان درسال۲۰۰۲گفت، مابرای افغانها چه کردیم جزاینکه چندجوال آردوچنددانه کمپل آنهم درمقابل کمره توزیع شد.

ممالکی که سفارت شانرا نبستند، ایکاش می بستند، خاندان ظالم آل سعود، پاکستان، ایران وقطربودکه اول سلفی هارا بعدا گلبدین وپیروان خودرا مسلح کردند، خوکان طلا خورراطلا دادند، که خون بریزند سعودیها درپاکستانی که ۱۸۰ ملیون نفرنفوس دارد درسفارتخانهٔ شان ۱۷ کارگرودرکابل ۴۷ نفرازجواسیس شان فعالیت داشتند. ایرانی ها هم به همین منوال، نفوس ما آن

عبدالخالق بقایی پامیرزاد سویدن

نوروز و بهاران را ارج می گذاریم

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی ازین باد ار مدد جویی چراغ دل برافروزی

(دنباله ازشمارهٔ پیش) : آریاییان دراعصارباستانی، سال رابه دوفصل گرما وسرما تقسیم میکردند، سال زمانی شامل دوفصل (زمستان ده ماه وتابستان دوماه) وزمانی دیگر(تابستان هفت ماه وزمستان پنج ماه)بود، درآغازفصل تابستان گله هاورمه هارا ازآغیل ها به چمن های سبز وعلفزارهای خرم به چرا میبردند وآغاز زمستان (پاییز) باتوشه وانباشته های زمستانی به آغیل هامی آوردند. به این مناسبت هردو راآغازسال میدانستندوجشن میگرفتندوبه سور وسرورمیپرداختند، که نوروز و مهرگان یادآورهمین جشنهاوشادیهاست(۱). به اینصورت میتوان گفت که تقویم دهقانی براساس (کاشت وبرداشت) غله ودانه تنظیم شده بود.

ابوریحان البیرونی دانشمندکشور درکتاب التفهیم میگوید: «نوروز چیست؟ نخستین روزاست ازفروردین ماه وازین جهت آنرا نوروز نام کردند زیراکه پیشانی سال نواست از زمانه. »چنین به نظرمیرسد که جشن فروردین جشن دینی قسمتهای شمال بوده است که مهدآیین زردشت است وعادات ورسوم اوستایی بیشتردرآنجا رایج بوده است. ایرانیان شمال این جشن رابه یادگار گذشتگان خودو بنابرعقیده ایکه به فروهرها ونزول نخستین روزداشتند برگزارمیکردند. اما هخامنشیان جشن اول ماه سال رادر(مهرماه) میگرفتند،درچنین روزی موبد موبدان باجام زرینی، انگشتری در می و دینارخسروانی ویک دسته سبزهٔ نورسته، شمشیری وکمانی، دواتی و قلمی که لازمهٔ سلطنت پنداشته می شد، نزدشاه میآمد وبه ستایش ونیایش میپرداخت. سپس بزرگان دولت واعیان ومردم یک یک باریاب می شدندوبه سخنان موبد موبدان گوش میدادند که خطاب به شاه می گفت : شاهها ! دیر زی، شادباش، انوشه خور به جام جمشید، سرت سبز و جوانیت جاودان باد.

بقول فکری سلجوقی :

از آن سال وازآن ما واز آن روز بجامانده خجسته جشن نوروز

نوروزکه آغازفصل ومهرگان است وزمان برداشت حاصلات، هردودراعتدال زمان قراردارند. ناصرخسرو نوروزرابرمهرگان رجحان داده گوید: نوروزبه ز مهرگان. اگرچه هردودرزمانندااعتدالی، باین ترتیب نوروزهم سال وضعی است به حساب روزاول تقویم جلالی وهم طبیعی است به مناسبت آغازسال نووفصل بهار،و تنهاعید وجشنی است که از دیرباز تاکنون مورد علاقه و استقبال مردم بوده است .

درزمان حضرت رسول (ص) به روایتی که عبدالصمدبن علی ازجدخودنقل می کند، درنوروز جام سیمین که پرازحلوا بود، برای پیغمبر هدیه آوردند وآنحضرت پرسید که این چیست؟ گفتند امروز نوروز است. پرسید نوروزچیست؟ گفتند عیدبزرگ ایرانیان است. فرمود آری درین روزبودکه خداوند عسکره رازنده کرد، پرسیدند عسکره چیست؟ فرمود عسکره هزاران مردی بودند که ازترس مرگ ترک دیار کرده وسربه بیابان نهادندوخداوند به آنان گفت: بمیرید! بمردند، پس آنهارا زنده کرد وابر هارا امرفرمود که برآنان ببارد و ازین روست کهپاشیدن آب درین روزنیزرسم شده است. سپس ازحلوا تناول کردوجام رامیان اصحاب خود تقسیم کرد وگفت: کاش هرروز برما نوروزبود. نخستین باراست که واژهٔ نوروز به عربی راه یافت. (صفحهٔ ۳۲۵ آثارالباقیه) .

درروایت دیگرآمده حضرت علی درهمین روزبه خلافت رسیده است. این ابیات {کاشف} ازهمین موضوع است.

نوروز ازآن شد پر شعف هم صاحب عز و شرف
کانروز سالار نجف آمد به تخت سروری...
امروزعلی نشست برتخت نبی زآنست که روزشب برابر گردید

درصفحهٔ ۱۸ کتاب نوروزخوش آیین میخوانیم که حضرتعلی به دیار بلخ عنایت داشته وبلخ درزمان نوشین روان چنان آبادبوده که خلق متصل به آب جیحون نشسته بودند، ازتخارستان وهندوستان وترکستان و ازبلاد عراق وشام وشامات اکابر واشراف آن بلاد، بدین شهر آمدندی وهرروز در وی عیدکردندی، به موضعی که آنرا(نوبهار) می خوانند. منقول از واعظ بلخی درکتاب خراسان بزرگ، تالیف داکتر احمد رنجبر.

مضاف ومنسوب های نوروز وبرخی ازآداب وآیین آن :

«نوروز بزرگ یا نوروز خاصه »روزششم ماه را گویند. ظهیرفاریابی گوید :

میمون وخجسته باد برتو نوروز بزرگ روز تحویل

شاعردیگر: صبارا گاه آن آمدکه راه بوستان گیرد
زمین را سبزه در دیبا و گل در پرنیان گردد

منوچهری: بر زن غزل نغز ودل انگیز و دل فروز
ورنیست ترا بشنو از مرغ نوآموز

جشن نوروزی راهمیشه شعرا باکلمهٔ (جشن) آورده اند ولفظ عید را مختص به عیدرمضان واضحی دانسته اند. رودکی گوید :

باد برتو مبارک و رخشان جشن نوروز و گوسپند کشان

ادیب صابر: چهرهٔ باغ زعفرانی گشت گونهٔ برگ ارغوانی گشت
دوستان ترک بوستان گفتند جشن نوروز مهرگانی گشت

فرخی: ازین فرخنده فروردین خرم جشن نوروزی
نصیب خسرو عادل سعادت باد و پیروزی
بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
ملک را درجهان هر روز جشنی باد نوروزی

ظهیر فاریابی: نوروزفرخ آمد بویی بهارداد بوی بهارمژدهٔ زلفین یارداد
نغمهٔ نوروز: ازخم صفا بادهٔ چون قندبیارید بانغمهٔ نوروزونهاوندبیارید
حجلهٔ نوروز: نوعروسان حجلهٔ نوروز نورهان زر و زیور اندازند

عروسان حجله نوروز کنایه است ازشگوفه و نورهان ارمغان ومژدگانی وسوغات (تحفه). رنگ کردن تخم مرغ: ازآنجاکه تخم مرغ رانشانهٔ آغازآفرینش وتکوین حیات موجودات دانند، تهیهٔ بیضهٔ الوان یاتخم مرغ رنگ کرده وطلایی وگاهی آراسته باتصویر ومیناتورظریف ازجملهٔ مراسم آداب نوروزی است. شاعری گفته:

عیداست وبدست آن نگارسرمست بینید اگر بیضهٔ رنگینی است
آن بیضهٔ رنگین دل خونین منست طفلست وپی شکستن آورده بدست

تخم مرغ ازطریق بالتیک ازمشرق زمین به اروپا رفته است. اگرتخم را باعلف وسبزی بجوشانند سبزرنگ میشود، اگر باپیازبجوشانند زردرنگ میشود واگربا لبلبو بجوشانند سرخ رنگ میشود.تخم مرغ را مظهرآفرینش آدمی میخوانند، اعتقاد عامه برآنست که در میان دریای بیکران ماهیی شناوراست که گاو رابرپشت دارد وزمین برشاخ آن گاو نهاده شده، به هنگام حلول سال گاو زمین را ازیک شاخ به شاخ دیگر میندازد، واین موجب میشود که زمین به لرزه افتد. آنگاه تخم مرغی که بالای آیینه گذاشته شده میچرخد وباحرکت آن می فهمند که سال نوآغاز شده است . (صفحهٔ۲۵ نوروز خوش آیین)

هدیهٔ نوروزی : هدیه دادن شکر وشیرینی وعیدی دادن زر وسیم از مراسم نوروز است. درعهد خلفای عباسی این رسم معمول بود، خلیفهٔ اموی عمربن عبدالعزیز رسم هدیه دادن در نوروز رامنع کردوملغا ساخت، ولی یزیددوم دوباره آنرا برقرارساخت. . این مسایل درتاریخ بیهقی به تکرارآمده است. شعرا درین

پروفیسرداکتر عبدالواسع لطیفی الکسندریه، ورجینیا

صفحاتی از یک زندگی پرنشیب وفراز

دروصلت وطن و درغربت هجرت (۲۳)

روزهای اول درسرزمین دیگران : درمدت بودوباشم درپشاور باچندنفر دوستانی که باتنظیم محترم حضرت صبغت الله مجددی معرفت داشتند آشناشدم وازهمین طریق ثبت نام شدم، کارت تنظیم رابدست آوردم و ازدفترمربوطهٔ پاکستان (شناختی پاس) هم گرفتم. درهمین مدت چند مضمونی هم برای نشرات افغانها درپاکستان نوشتم وپارچهٔ هم به استقبال شعر(آزادی) شاعرشهیرفرانسه، پول ایلوار، برشتهٔ تحریرآوردم که هم دریک رادیو محلی افغانها وهم درمجلهٔ میثاق خون به مدیریت محترم داکترحقشناس بچاپ رسیدوبعدتر ازامواج رادیوی مربوطه که برای افغانهای مهاجر درداخل افغانستان نشرات شبانه داشت، نیزپخش گردید. آن پارچه با عنوان (همه جااسم ترا مینویسم) وتقدیم به مجاهد گمنام وطن بود، که بعدها در ایالات متحدهٔ امریکا درجریدهٔ مردمی امید نیزبه چاپ رسید.

درپاکستان درنخستین دیارغربت دراواخرسال ۱۹۸۱-۱۹۸۲ گاهی در پشاور و گاهی دراسلام آباد روزهای بس دشوارو اسفناکی راسپری کردم، وضع غم انگیز و دربدری مهاجرین وپناهگزینان افغان که درآن سالها اکثرا طبقهٔ تحصیل یافته ونخبگان، مامورین عالیرتبه وسابقه، شاگردان مکاتب ومحصلان فاکولته هارا تشکیل میداد، سخت تکان دهنده و زجرتناک بود. درآن مقطع دردناک آغازبی وطنی در دیار دیگران همه دردمشترک داشتیم، درد ازدست دادن وطن، کارو کسب ووظیفهٔ روزمره، درد فقدان عزیزان وخویشاوندان، دردناداری وبی سرنوشتی وامثال آن ! اما اولترازهمه درانتظار وامید یک فردای روشن ونجات بخش بودیم، که رژیم خودکامه ومقهورکنندهٔ کمونیستی بزودی سقوط کرده از افغانستان برچیده شود، ودست یغماگر متجاوزین شوروی کوتاه گردد، صلح وصفا بازآید وبه وطن آزاد وسرزمین محبوب مادری خویش مراجعت کنیم. ولی صدحیف وافسوس که فردای روشن ورجعت به وطن پرصلح وصفا ازهمان تاریخ تاامروزکه بیش ازسی وسه سال می شود، هرگز میسرنگردید.

روزی ضمن مطالعهٔ آثار ادبی غرب پارچه شعرشاعری راخواندم که دور ازوطن درتبعید درزیر عنوان (درانتظارفردا) ومن به استقبال و همنوایی او پارچهٔ را تحت عنوان (فردای روشن ما درکجاست؟) چنین به رشتهٔ تحریرآوردم :

همه باهم درین زمزمه اند که فردا فردا
ومن می پرسم پیهم که تاظلمت شب اینجاست
فردای روشن ما درکجاست ؟
میگویند در شفق داغ افق های دور
در طلوع آفتاب، در گسترش روشنی و نور
اما سالهاست درانتظار صبح این شب یلدا هستم
همه جا در جستجوی آن فرخنده فردا هستم !
فردای پیوند های محکم وقیام همگان،
نیرویخش وحدت و پیمان راستین من وتو،
برهم زن صف دشمن ویرانگر وگماشتهٔ دیگران ،
که خزیده است چون مار در آستین من و تو!
کجاست فردایی که درآن اهریمن جنگ نباشد،
وطن جولانگاه دزدان ناموس و ننگ نباشد
من و تو تا فتنهٔ بیگانه ازوطن دور نسازیم
تاچشم عدو بانیروی وحدت وهمرنگی کور نسازیم
راه صلح وآزادی وطلیعهٔ نوروزما پیهم ناپیدا خواهد بود !
پس فرداهای دیگر ما چون امروز بی فردا خواهد بود !

هنوزچندشب وروزی از ورودم درشهرپرسروصدا وناآشنای پشاور نگذشته بودکه یکباره ملتفت شدم همه چیز، همه اندوخته هاودار وندار خودرا دروطن عزیزم ازدست داده ام : فعالیتهای علمی ومطبوعاتی، وظایف تدریسی واداری فاکولتهٔ طب پوهنتون کابل، تمام کتب وآثار نشرشدهٔ علمی ومسلکی ام بشمول نخستین فرهنگ طبی درافغانستان که تاجلد چهارم وحرف باترجمهٔ دری تهیه وتدوین وبرای محصلان فاکولته های طب وفارمسی به نشررسانده بودم، تمام کلکسیون تراجم ومقالاتم که درجراید ومجلات وطن بچاپ رسیده بود، کتابخانهٔ کوچک شخصی ام، خانه وسریناه وآن محلهٔ محبوب وخوش آب و هوای کارتهٔ پروان وبالاخیر همه دوستان وعزیزان وهمسلکان گرامی ام وازهمه دردناکتر وطن شیرین ومادر وپدرعزیز وسالخورده وبجان برابرم را پدرود گفته بودم !

یقین دارم شمانیزخوانندهٔ ارجمند، درهمین لحظه به آنهمه عزیزان و گنجینه های مادی ومعنوی راکه حین خارج شدن اجباری ازوطن برای همیشه ازدست دادید، به یادخواهیدآورد:آن خانه وکاشانهٔ که زیرسقفش میزیستید، آن کوچه ومحله ایکه درمحیط محبوب آن تولدیافتیدبزرگ شده به ثمررسیدید، آن مسلک وحرفه و موقف اجتماعی واداری راکه پس ازسالهازحمت وتحصیل وتجربه بدست آوردید، وباز هم ازهمه گرانبهاتر ودردناکتر خاص مقدس وطن ومأمن ومنبع عشق ها وآرزوهاو رویاهای خود را ! راستی چه اسف انگیزاست که انسان با زجرت (جدا شدن گوشت از ناخن)، درسیاهترین وتلخترین ساعات زندگی و پدرود غم انگیز وطن خود، باچنین سرنوشتی گرفتار آید ودر یک مسیرتاریک قدم گذارد !

همینکه خودرا درشهر پرحادثهٔ پشاور تک وتنها وبدون آنهمه پیوند های عاطفی ومعنوی زادگاه محبوب خود یافتم، بار وسوسه وتشویش و استرس سخت بردوشم سنگینی کرد واندیشه ونیازشب وروزم این بود که ایکاش وطن هرچه زودتر ازسلطهٔ اجنبی وتجاوز واشغال قشون سرخ سفاک شوروی رهایی یابد ودوباره باهمه افراد خانواده به کابل عزیزرجعت کنم و ازکابوس هولناک تبعید و بی وطنی وبی سرنوشتی نجات یابم ؟! / (دنباله دارد)

***

انجنیر عبدالصبور فروزان — نیوجرسی

تلویزیون ژوندن

مظهر تعصب زبانی و قومگرایی درافغانستان

ادامهٔ مطلب ازشمارهٔ پیش : یکی دیگرازچهره های خون آشام که همدست برادران دیره دونی، درقتل وخونریزی وظلم وبیداد بود، محمد گل مومند میباشد که باتأسف فراوان به وزیرمحمدگلخان مومندمشهور شده بود. گرچه اوبرادری خونی باخانوادهٔ نادرغدار نداشت ولی خصلت ددمنشانه وخون آشامی اوبه درجهٔ بود که کسی فکرنمیکرد باایشان از یک پدرومادرزاده نشده باشد ! آن موجودخونخور در خصلت فاشیستی وقساوت قلب از هتلر پیروی میکرد، هتلر برایش الگوی زندگی بود و همانند او، قومی راکه مربوط آن بودیعنی پشتون را براقوام دیگر کشور رجحان میداد وبرای رسیدن به این هدف نامقدس ازهیچ نوع بیدادگری و جور وظلم دریغ نکرد. امافرق او ازهتلر این بود که هتلر مردشجاع بود ووطنش رادوست داشت، درحالیکه محمدگل مومندانسان بزدل و خیانت پیشه بود. نادر بااونزدیکی خاص داشت وبه استشارهٔ انگریزهااو رادرحلقهٔ توطیه سقوط دولت امانیه بسیج ساخته بود چون مثل نادر نمک حرام و برده خوبود، پیونددوستی میان ایندوسخت گره خورده بود.

پدرمحمدگل مومند خورشیدخان نام داشت که شخصی غاصب وظلم پیشه بود وبه اندازهٔ وسیع زمینهاو جایدادهای مردم درزمانیکه صاحب منصب عسکری در فرقهٔ دهدادی بود، باجبر واکراه وظلم وبیداد غصب کرده وصاحب هزاران جریب زمین غصبی خود راوقوم خودراساخته بود، که آن محل راقریهٔ مهمندان یادمی کردند. اودرمیان مردم محل به خورشیدخان حرامخورمشهوربود، خاطره های زشت آن انسان غاصب وظالم در اذهان مردم محل زنده است وحکایه های دلخراشی ازمظالم او سینه به سینه ونسل به نسل درمنطقه انتقال یافت است. اوهمدست و گماشتهٔ حکمرانان(امیران) سدوزایی بود که باهمدستی شان زمینها و خانه هاحتی مواشی مردم بومی منطقه (تاجیکها، اوزبیکها وترکمنها) را بازور وتهدید گرفته وبه کوچی هاومردم قبایلی همه پشتون، که حتی بازراعت وکشت وکاریگانه بودند تسلیم میکرد. محمدگل راشاه امان الله خان برای تحصیل نظامی به ترکیه فرستاد وبعدازبازگشت بدون اینکه دریابد اهلیت وشخصیت اوازچه قراراست، قوماندان فرقهٔ دهدادی ساخت. چون نادر محمدگل رادرپلانهای انگلیسها برای سقوط دادن دولت امانی سهیم کرده بود، لذا این انسان نمک حرام درروی صحنه با امان الله ودرعقب پرده برای ازبین بردن سلطنت اوفعالیت میکرد. سه سال بعد نادربرای میلهٔ گل سرخ به مزارشریف میرود که بهانه میله بود ولی دراصل ازطرف انگلیسها به ماموریتی توظیف شده بود که مومند هدایت دهد که وظیفهٔ خودرابدون اینکه به شاه اطلاع دهد، یااو ازآن آگاه شود، ترک نماید تاپایه های سلطنت امانی تضعیف و هرج ومرج درآنجاآغاز گرددوخودنیز ازرفتن به وظیفه کنار رود. محمدگل مومند آنچه هدایت انگلیسهابود همان کرد، وظیفه راخودسرانه ترک کرد و فرقهٔ دهدادی بدون قوماندان وقوماندہ ماند وخوددرزمینهای غصبی پدرش دربلخ مصروف شد ونادر روانهٔ کابل گردیدتاامان الله خان از پلان آنهاشک برنشود.

چندسال بعد امان الله خان به میلهٔ گل سرخ درمزارشریف میرود واین زمانیست که او ازاغتشاش وخرابکاریهای شینواری وجنوبی تحت رهنمایی انگلیسها به ستوه آمده بود. اومحمدگل مومندراباخودبکابل آورد تادرخاموش ساختن اغتشاش پشتونهای شنواروجنوبی، اورا همکاری نماید ونادر راهمراش ساخت. چون اغتشاش کارانگلیسهابود تادولت راسقوط بدهند درحالیکه نادر ومومندقبلابه دستبوسی وپابوسی انگلیسهاپرداخته ودریک پلان واحدباایشان درصددسقوط دولت امانی بودند، ازرفتن وجنگیدن بهانه جویی وخودداری کردند تاوفاداری شانرا به انگلیسهاثابت سازند. شاه به همکاری دوستانش چون شاه محمدولی خان دروازی ومحمودخان طرزی، ازارتباط نادرومحمدگل باانگلیسها و نیت نامقدس شان در برابرسلطنت شبک برشد وبه مشورهٔ این دودوست آن دوخاین رابحیث سفیربه خارج فرستاد تامگرارتباط شان باانگلیسهاو اغتشاشیون پشتون جنوبی قطع گردد، اما برعکس فرستادن ایشان به خارج زمینهٔ دیدو وادیدآنهارابانگلیسها مساعدترساخت. چنانکه نادر وقتا فوقتا ازپاریس به لندن به ملاقات باداران انگریزخودمیرفت بدون اینکه امان الله خان ازآن آگاه شود. البته طبق قوانین ومقررات دپلوماسی هیچ سفیری به خواست خودوبدون اجازهٔ دولت متبوعش حق ملاقات سیاسی را با کشوردیگری ندارد.

محمدگل مومند بهمان اندازهٔ که ددمنش وخونخوربود، بیشترازآن بزدل وترسو بود، داستانهای مشهوری ازبزدلی وجبن آن موجودخیانت پیشه موجوداست که توسط دانشمندان اعم ازتاریخ نویسان خودماوتاریخ نویسان سایرکشورها رقم شده است، یک مثال اینست زمانیکه انگلیس هاعلیه کشورماجنگ راآغاز کردند، شاه درپهلوی دیگرلشکر کشیها برای مقابله باانگلیس، لشکری تهیه دیدوتحت فرماندهی صالح محمد خان ویااو محمدگل مومند که درآنزمان جوان برهنه روی هم بود، به جانب مشرقی فرستاد. صالح محمد که تازه وزیردفاع شده بود، بایاورش کندکمشر محمدگل مومند دراوایل می ۱۹۱۹جانب مشرقی حرکت کردند، افرادین لشکر بیشتر ازلشکرهایی بود که به خوست وقندهار فرستاده شده بودند، اکثراین سربازان را تاجیکهای شمالی، ازبیکها و ترکمنهاتشکیل داده بود. چون امرجهادداده شده بود آنان باشوروشعف آمادهٔ سربازی درراه خدا ووطن بودند. این لشکربافرمانده و یاورش موردپذیرایی مردم قرارگرفته بعدازگذشتن ازتورخم درنواحی مومند و خیبر، انگلیس ازآمدن آنهاخبرشدندونمایندهٔ خودرانزدصالح محمدو محمدگل فرستادندو پیشنهاد کردند که اگرعقب نشینی نمایند، انگلیس حاضراست تاپنج صندوق مملو ازطلا برایشان بدهد. صالح محمدومحمد گل بعدازمشوره باهم به آن پیشنهاد موافقت کردند، امابرای اینکه مسایل راشکل عادی جلوه دهند قرارشدهردونفر هرچه زودترازسرحد عبور وقریهٔ باغ راکه درنزدیک تهانهٔ انگلیس بود تصرف نمایند تا بهانهٔ برای حملهٔ انگلیسها گردد. درحالیکه قبل ازحرکت لشکریان در کابل فیصله بین سران لشکرفیصله شده بودتازمانیکه درپشاورقیام مردمی شروع نشود هیچیک ازسران لشکر اجازهٔ حرکت نظامی وآغاز جنگ راندارد، که این فیصله تحت ریاست خودصالح محمد که یاورش محمدگل مومندپهلویش نشسته بود صورت گرفته بود چون او درآنزمان وزیردفاع بود. ولی بنابه دستورانگلیسهااین هردو بدون درنظر داشت آن فیصله وبدون درنظرگرفتن تقاضاهای مکرر که ازجهات دیگر واشخاص ارتباطی در کابل ازیشان میشد، به حرکت نظامی که در حقیقت ساختگی بود، دست زدندوعساکرانگلیس به حملهٔ خودآغاز نمودند. حاجی عبدالرزاق خان اندر که ازطرف امان الله خان برای بیداری پشتونهای قبایلی درسرحدات شرقی وجنوبی فرستاده شده بودتا فریب انگلیسهارا نخورند ودربدل پول که معمولاانگلیسها درچنین حالات به قبایل میپرداختند، به منفعت آنان اقدام نکنند، به صالح محمد ومحمدگل مومند مکتوب فرستاد که هوشدارباشند وجنگ راآغازنکنند، چون هنوز قبایل رامتقاعد نساخته وآمادهٔ شورش دربرابرانگلیسها نیستند. حاجی مذکورشک برشد که آندوخاین درصدد آغازجنگ اند، مکررا مکتوب فرستاد وقاصدروان کرد که هوش داریدجنگ راآغاز ننمایید واگرجنگ آغاز کنید همه عساکرما کشته میشوندوجنگ رامی بازیم. اماصالح محمدومحمدگل مومندبه دادوفریادحاجی وقعی نگذاشتهآنچه دستور انگلیسهابود همان کردند وجنگ ساختگی آغاز شدوانگلیسهانیزحمله کردند، چون مجاهدین ازقضیه واقف نبودند جانبازانه دربرابرقوای انگلیس جنگیدند به اندازه ایکه ضربات شدیدی به قشون شان وارد کردند ومیدانستند که جهاد ایشان برحق است، با روحیهٔ قوی میجنگیدندوحتی آغازبه پیشروی کردند، درعین همین جوش سربازی وفداکاری سربازان وطن، صالح محمد که درمحل قومانده بود ومحمدگل مومند دراراضی سوق واداره میکرد، به سربازان امرعقب نشینی دادوعساکرباوجود اینکه روحیهٔ عالی رزمی داشتهآمادهٔ پیشروی بودند، مجبورا عقب نشینی کردند و انگلیسها ضربات شانرا شدیدترساختند وباتوپ وسلاح ثقیله برمجاهدان حمله کردند. در همین گیرودار صالح محمدومحمدگل مومند صندوقهای طلارادریافته و ازمیدان فرار کردند. مجاهدین به حالت بی سرنوشتی دچارشدند،کدام قومانده و هدایتی ازسرلشکریان شان یعنی صالح محمدومحمدگل مومند نیافتند، سراسیمگی درمیان شان افزونترشدوفکر کردندسرلشکرشان هردو کشته شده اند، لذاروحیهٔ شان ضعیف وضعیف ترشد ودرنتیجه شکست فاحش خوردندو انگلیسهاضربات شانرا شدیدترنموده تعداد کثیری ازمجاهدین شهیدشدند وبقیه راانگلیسها تاتورخم عقب زدند و طیارات شان عساکرکمکی راکه درکمکی خیبر جابجاشده بودند بمباران نمودندوعساکر انگلیس ازتورخم گذشته جانب جلال آباد حرکت کردند .

محمدگل مومندوصالح محمد که صندوقهای طلا راقبلا توسط نفرهای خاص شان به جلال آبادفرستاده بودند، بدون اینکه به لشکریان شکست خورده اطلاع دهند، هردوازجبهه فرارمینمایند که مطابق قرارداد با انگلیسهابود ومجاهدین رادر میدان جنگ بدون سروسرکرده وقوماندہ میگذارند، انگلیسهاچهارصدمجاهد را محاصره کرده به حالت زاری به شهادت میرسانند، لباسهای شانرا کشیده اجساد برهنهٔ شانرا رادرنواحی مختلف سرحدی به ستونهاآویخته بودند تامردم قبایل ازآن عبرت بگیرند. این اجسادشهدای راه آزادی وطن که اکثرا تاجیکها، اوزبیکها و ترکمنها بودند، برای روزهابه پایهٔ ستونهاباقی مانده وآماس نموده، بعضی مورد حملهٔ سگهاوحیوانات وحشی وزاغان قرارگرفته بودندو انگلیسهابه کسی اجازه نمی دادندتاآنهارادفن کنند. میگویندانگلیسهااین اجساد سربازان کشورمارا که محمدگل مومند وصالح محمد دربدل پنج صندوق طلا به چنگال انگلیسها گذاشته بودند، برای چهل روزبرپایه های دارگذاشته بودندتااینکه پوسیده شده وبوی آن همهٔ فضاراحتوا کردندوانگلیسهامجبورا اجازهٔ دفن آنهارا دادند.

محمدگل مومندوصالح محمد به جلال آبادآمدندتاغم صندوقهای طلا را بخورند، وقتی صندوقهاراباز کردند دیدند که همه طلانبود، انگلیسهابالای صندوقها صفحهٔ ازطلا راهموار کرد وزیرآن تیکرخشت پخته چیده بودندواین عین عملی بود که آنان بانوکردیگرشان دوست محمددرگذشته کرده بودندواورا متقاعد ساخته وخریده بودند که مجاهدین کوهستان وشمالی رادرمیدان حرب تنهابگذارد، تا انگلیسهابحساب شان برسندوخود درتاریکی شب دزدانه باصندوقهای طلافرار نمود که در همهٔ شان ورقهٔ طلا وزیرآن ریگ جابجاشده بود !

محمدگل مومندوصالح محمد که ازین فریب انگلیسهاسخت آزرده بودند در صددشدند تاراهی سنجده وفرارشانرا ازمیدان جنگ به امان الله خان صبغهٔ مجبوری وضروری دهند. هردو باچاقو قسمتهای ران، پنجه های پا وچندانگشت دستهای شانرابریده وباتکه هایی که خون ازآنها بیرون زده بود پیچانده روانهٔ کابل شده نزد شاه آمدند، قصه هاوافسانه ها ساختند واز زخمی شدن خویش درمیدان حرب سخنها گفتندتاشاه را فریب دهند. شاه امان الله تااندازهٔ به ایشان لطف ومهربانی کرد وفکر نمود که ایندوانسان مزور تاسرحدزخمی شدن جنگیده اند، لذا درهمان دفتر خویش برای این دوموجودحقیروخاین غذاخواست وباایشان در خلوت نشست.

درهمین لحظهٔ که ایندوخاین وطنفروش بیغیرت هنوزنزدشاه بودند، مکتوبی خاص به شاه امان الله می آید واومکتوب رابه خوانش میگیرد، مکتوب ازحاجی عبدالرزاق خان اندر بود که به این مضمون نوشته شده بود : «اعلیحضرتا باغم و غصه باید بگویم که من درتپ وتلاش بودم که پشتونهای قبایل رابرعلیه انگلیسها بشورانم، هنوزاین کاربه پختگی نرسیده بودکه سپهسالارصاحب صالح محمدخان ویاورش کندکمشر صاحب محمدگل خان مومند جنگ راآغاز کردند، هرچه برای خان خط روان کردم وگفتم جنگ راآغازنکنید که قبایل آماده نیستند، ولی حرف مرانشنیدندوجنگ راشروع کردند. »حاجی عبدالرزاق اندر که ازین عمل محمدگل مومندوصالح محمد سخت آزرده بود، درنامه اش اضافه کرده بود: «من نمیدانم که سپهسالارصاحب وکندکمشرصاحب ازروی بیخردی اینکاررا کردندیا ازروی غداری. امامن دوم آنراتایید میکنم. »شاه امان الله مکتوب راچندین بار خواندوهرباریکه میخواند سیمایش تغییرمیکردوازخشم وغضب عرق درجبینش هویداشده بود، آن لطف ومحبتی که درمجلس بود آهسته آهسته زایل میشد و صالح محمدومحمدگل مومند دزدانه به یکدیگروبه شاه نگاه میکردنداما نمی دانستند که این مکتوب ازکی وبرای چیست، امادرک کرده بودند که مکتوب درموردحساسی است که شاه رابدین اندازه تحت فشارگرفته و فضای مجلس را مغموم ساخته است.عاقبت اعمال مذموم صالح محمدومحمدگل مومند رادربخش بعدی مینویسم و این بخش را باردیگر باهوشدار به دست اندرکاران تلویزیون فاشیستی ژوندون خاتمه میدهم که: کسانی راکه شما ژوندونیان رهبر وبزرگ و قایدپشتونهامی خوانید چنین موجودات بی غیرت، بی عزت، پست، وطنفروش، ناموس فروش، خاین وغدار بودند، که نتیجهٔ کردار خاینانهٔ شان را امروز درآتشی که ازسالهاست سراسروطن رامیسوزاند به چشم سرمی بینیدومی بینیم، لذا سزاوارنیست که جوانان قوم پشتون را بیش ازین گمراه بسازید وعلیه اقوام باهم برابروبرادرافغانستان بشورانید. محمدگل مومند یک غدار وخاین به ملت ما بود، شایسته نیست او را الگوی جوانان پشتون بسازید./ (دنباله دارد)

****

چگونه جهاد ما را بدنام کردند

(دنباله ازصفحهٔ سوم)

آن وقت درداخل مملکت از ۱۵ ملیون زیاد نبود بخصوص شهرکابل به صدهزارهم نمیرسید. کابلی که نسبتا آباد مانده بود به خاک یکسانش کردند، وقتی آنها شکست خوردند طالبان رابه کابل مسلط وحکومت شانرا رسمی شناختند به غیر ایران.

شاعر دردیده میگوید :

ز ماسکو تا عربستان، نماند — یهود و دولت ایران نماند
همه باخون ما کردند بازی — الهی تخم پاکستان نماند

درهمین ایام امریکای جهانخور که ازبادهٔ مستی غرهٔ شده وطبل نابودی شکست حریف ۷۰سالهٔ خودراجشن گرفته بود، با خیال باطل طرح نابودی اسلام عزیزراریخت، به تاریخ ۱.۳.۱۹۹۲ درکانال اول تلویزیون آلمان خبری نشرشد که ناتوهیئتی به ماسکو فرستاد و گفتند مادودشمنداشتیم اسلام وکمونیسم، کمونیسم راازبین بردیم حالا باید با اسلام جنگید.

این نظرتازهٔ نیست، در ۱۰۹۰ م برای اولین باراوربان کشیش فرانسوی ۵۰۰ هزارعیسوی بیکارولی خونخورراجمع کرد وبطرف بیت المقدس روان شدند، که بعدا جرمنی، ایتالیا، انگلیس، پولند،اتریش، اسپانیا؛ با آنهاپیوستند. مصر، سوریه، عراق، لبنان ونواحی آنراکه مهدتمدن بودند، به ویرانهٔ تبدیل کردند، کتب علمی را باخود آوردند که بعداسبب پیشرفت آنهاشد، بیت المقدس را تصرف، درمدت

نصیراحمد رازی — سدنی، آسترالیا

داستانهای همسو با تصوف (۱۶)

فنا و بقا : به احتمال زیاد مسألهٔ (فنایی الله) ازعقاید هندیان واردتصوف شده و از ابایزید، جنید، شیخ ابوسعید، سنایی، عطار، مولوی ودیگران درین باره اقوال بسیار ذکر گردیده است، ومقصود ازآن بقای سالک و اصل است دردات حق. این عقیده درفلسفهٔ مابعدالطبیعهٔ صوفیان بااعتقاد به فانی بودن هرچیز، به جزخدا (کل شیء هالک الاوجهه) امربسیار پیچیدهٔ است، بدین ترتیب که اگرغیر ازخداهمه چیزفانی است، پس چگونه وجودفانی دردات باقی، حیات جاودانه می یابد ودرصورت وصول بدین جاودانگی کدام یک ازارکان هستی اوبرقرارمیماند؟ جسم یااوصاف وروان او؟ بقای جسم مخلوق درهستی خالق که امکان پذیر نیست وازسوی دیگر بااسقاط اوصاف، دیگرچیزی ازیک پدیده به تصورخرد درنمی یابد، زیرا شناخت هرچیز به یاری اوصاف آن انجام میگیرد .

داکترخلیفه عبدالحکیم درین باره چنین نوشته: «این موضوع ازیکسو تاکید میکند که خدا همه وهمه است، ظاهروباطن است واول وآخر است وهرچیز جز او فانی است. ازسوی دیگرقایل به فناناپذیری انسان است، بنابرین مسأله اینست که فناناپذیری فرد باید بامفهوم وحدت وجود وفق داده شود ومسأله چنین حل شود که هرچندوجود، منحصربه خداست، خدا بارحمت بیدریغ وبیکرانش میتواند بهرهٔ ازوجودخودرابه لاوجود ارزانی دارد .

چون نبی در وجه او، هستی مجو — کل شی هالک جز وجه او
هر که اندر وجه ما باشد فنا — کل شی هالک نبود جز او
زآنکه در الاست، او از لا گذشت — هر که درالاست، او فانی نگشت (مثنوی)

فردیت با فنافی الله ازمیان نمی رود بلکه استحاله می یابد :

هستیت درهست آن هستی نواز — همچو مس در کیمیا اندرگداز (مولوی)

تصوف درطی عمردرازخود باتحولات بسیارهمراه بوده واصول این طریقه و نظریات عرفاهمواره دچاردگرگونیهای بزرگ شده است. گاه جانب دین اسلام را به استواری درپیش گرفته، زمانی عوالم عاطفی ازعشق ومحبت وشهود واشراق راه وصول به حق بشمارآمده، دربعضی دورها انقطا ازدنیا و وداع باخوشیها راه نجات خوانده شده، زمانی ترک لذایذحیات گناه محسوب گشته، گاه دانش وعلوم ظاهری به دورافگنده شده حتی حجاب میان خداوبنده به شمارآمده وزمانی تمسک به علوم بربسیج سالکان جهت رویارویی با مخالفان موردتاکیدقرارگرفته است.

لازم به یادآوریست که افکارعرفانی ازحدود قرن پنجم هجری به ادبیات فارسی واردشده وآثار بدیع، بویژه درنظم فارسی پدیدآورده است. نام برخی ازطریقه ها ومکتب های تصوف اسلامی اینهاست :

طریقهٔ طیفوری، ۲- طریقهٔ کبراوی، ۳- طریقهٔ جنیدی، ۴- طریقهٔ نقشبندی، ۵- طریقهٔ سهیلی،۶- طریقهٔ سهروردی یا مولوی،۷- طریقهٔ خاکساری.

مراحل هفتگانهٔ سلوک ووصول به کمال (هفت وادی یاهفت شهر عشق) بدین قرار درآثار صوفیه بیان شده است: طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فنا .

هست وادی طلب آغاز کار — وادی عشق است زآن پس بی کنار
پس سیم وادی است ازآن معرفت — هست چهارم وادی استغنا، صفت
هست پنجم وادی توحید پاک — پس ششم وادی حیرت صبحناک
هفتمین وادی فقر است و فنا — بعد ازاین وادی، روش نبود ترا
ورکشش رفتی روش گم گردند — گر بودیک قطره قلزم گردند (مولوی)

پس از وادی فقر وفنا، کشش وجدبه درمیرسد وروش وسلوک ناپدید میشود .

عرفان یافتن حقایق اشیاء است به طریق کشف وشهود وبه این جهت تصوف یکی ازجلوه های عرفان است. عارف، آنکه خدا اورابه مرتبت شهود ذات واسماء وصفات خود رسانیده باشدواین مقام به طریق حال و مکاشفه براوظاهرشده باشد نه به مجرد علم ومعرفت حال .

فرق عارف باحکیم وفیلسوف درکیفیت استدلال وراه ادراک حقایق است، حکیم باقوهٔ عقل واستدلال منطقی پی به کشف حقایق میبرد و عارف ازراه ریاضت وتهذیب نفس وصفای باطن به کشف شهودمی رسد.

ابوعلی سینا درکتاب نمط نهم چنین گفته: کسی که ازخواستهاوخوشی های دنیاچشم پوشیده واعراض کرده باشد، اورا زاهدگویند، وآن کسی راکه برنوافل وافزونیهای عبادات شرعی همچون شب خیزی وتهجد و روزه داری وامثال آن مواظبت داشته باشد، عابدمی خوانند، وآنکسی را که تمام فکر و هم خودرادریکجا منصرف ومتوجه به قدس جبروت کرده وپیوسته درین حالت است که روح وباطن او تابشگاه نورحق تعالی است، او راعارف می نامند.

حدیثی ازروایت حضرت امام جعفرصادق است: کسانیکه خدای را عبادت میکنند سه طایفه اند: یک طایفه خدای تعالی راازترس عبادت میکنند، بندگی این طایفه بندگی بردگان است. طایفهٔ دیگربه هوای ثواب آخرت عبادت میکنند واین خوعبادت مزدوران است، طایفهٔ سوم آن کسانند که خدای رابرای دوستی خدای عبادت میکنند نه از روی خوف وطمع ونه برای چیزدیگر، عبادت این طایفه عبادت آزادگان است که خودبهترین وفاضلترین عبادت است.

داستان : درین روایت مولانا مجلسی باشاگردان درفضای باز وکنار حوضی دارد، مسأله میگوید وکتابی چند دراطرافش پراکنده است. شمس بی پروا- که بی پروایی ازویژگی حق وپیراست —به مجلس او وارد میشود ودربارهٔ کتابها ازوی میپرسد. مولانادرجواب میگویداینها علم (قال) است وتو راباآنهاچه کارباشد؟ شمس کتابهارا یک به یک به آب میاندازد، مولانا بااعتراض آنهارا ازآب برمیگیرد وباحیرت در میابد که آنهاخیس نشده اند وآسیبی برنوشته هانرسیده است. رازآنرا از شمس جویامیشود ووی پاسخ میدهد این(ذوق وحال) است وتو رااز آن چه خبر؟

دراین روایت نیز تمثل گونه، مولاناغرق درعلم واندیشمندیست وحقیقت خود و الله رادرمیان کتابهامی جویدودرعین حال خودنیزمیداند که سرگرم علم قال است.شمس میخواهدبابه آب انداختن مثالی کتابهاوشستن آنچه که درذهن انباشته شده است اورا با ذوق وحال، که تنها راه رسیدن به حق است آشنانماید- تنهادرتوان اوست چنین کارشگرفی. سالم ماندن کتابهاوازبین نرفتن نوشته هادقیقا گویای آن است که علوم نوشته شده هستندو پایدارمیمانند، تنهااندیشهٔ انسان است که باید برای درک حضور حق شسته وپاک گردد. بااین عمل به اومیگوید اگرمیخواهی که مدرس ماشوی و حال را تجربه کنی، اوراق ودفتر رابشوی، و مولانای مستعد وطالب نیز این ندا رابه جان می شنوند وبه دنبال شمس تا بیکران جهان عشق سفر میکنند./(دنباله دارد)

****

شده اند زنده دردادند، همچنان دهها عالم مثل گالیله راکه درقرن ۱۶ ثابت کرد زمین مدورومتحرک است، به زنجیربستند وتکفیرش کردنداین جنایات راکلیسا مرتکب میشد. ازآن به بعد روزگاربه همین منوال است.ما نباید همیش استعمارگران را ملامت کنیم، سید جمال الدین فیلسوف قرن ۱۹ وطن مامیگوید ظالم کسیست که ظلم را قبول کند. وقتی لشکرچنگیزبه عراق نزدیک شدبرای حاکم آنجاپیام کرد بهترین منجنیق سازان خودرا برایم روان کن، حکمران عراق که درهمان منطقه برای عیاشی آمده بود برای حاکم احوال کرد بهترین رقاصه هارابرایم روان کن، حاکم خبرگان محل راجمع ومصلحت خواست،چه کند!

متن مصاحبه نواسه پادشاه سابق افغانستان

«اعلیحضرت محمدظاهرشاه نمیخواستند پادشاه شوند...وقتی تاریخ آنها را تیله کرد...، یک جوان هژده ونیم ساله بودند...» این مصاحبه دلچسپ راروز۲۹جولای ازفیسبوک شنیدم که محترم حمیدعبیدی آنرا درصفحه خودنشر کرده بود، چون درآن برای اولین بار اززبان یکی از منسوبین خانواده سلطنتی اسبق کشورمطالبی راشنیدم که چندنکته آن از نظرتاریخی دارای اهمیت میباشد، خواستم متن مکمل آنرا ازروی نوار ویدیوئی آن ثبت وآنرابه قیدقلم درآورم تابه حیث یک سند در اختیار علاقمندان موضوع قرارداشته باشد.

مصطفی ظاهرپسرشهزاده محمدنادراست که سالهادرگمنامی بسرمیبردو به مسائل وطن هیچوقت دهن به سخن بازنکرده وهمیشه مصروف جهان خودبوده است، طوریکه دیگرفرزندان اعلیحضرت همه درعین موقف قرارداشته اندودر نشیب و فرازهای چند دهه اخیر کنج عزلت را گزیده و درهیچ موضوعی دخالت چه که حتی یک حرف هم نزده اند. دربین اعضای خانواده فقط دونفربیشترازدیگران در جواراعلیحضرت در هجرت قرارداشته ونیزبحیث رازدار ومشاور شان نقش داشته اند: یکی سردارعبدالولی پسرعم ودامادش که میتوان گفت او ازلحظه که از کابل به ایتالیامواصلت کردتاهنگام وفات اعلیحضرت)اول اسد ۱۳۸۶ شمسی ۲۳جولای ۲۰۰۷م (هم درمهاجرت وهم بعد از برگشت به وطن درکنارشاه بوده وحتی یک روزهم ایشانراتنهانگذاشت،مصطفی ظاهر نواسه اعلیحضرت که بسیارجوان وبرای مدت۱۷سال درخدمت پدر کلان خود بود وبحیث یک رازدارشاه محسوب میشد .

قبل ازاینکه به متن مصاحبه بپردازم، بایدعلاوه کنم که بین سردار عبدالولی و مصطفی ظاهرکه اولی یک شخص جزر ومد روزگاردیده و دیگری یک جوان بی تجربه اماصافدل، دربساموردرقابتها ومشکلاتی وجودداشت که ناشی ازتفاوت نظرهای بودکه بین استادعبدالستار سیرت، مشاورارشد پادشاه وسردارعبدالولی در بعضی موضوعات ایجاد شده ومصطفی باجانبداری ازاستادسیرت به یک سمت و عبدالولی در سمت دیگرکاررا بجایی کشانیدندکه موقف اعلیحضرت درمسائل کشورازدوطرف تحت فشارقرارگرفت وچون وی درین موقف دشوار ناگزیر بیشترمتمایل به سردارعبدالولی گردید، این امرموجب شدتادو جناح درروم عرض وجودکند که درنهایت جناح (سیرت ـ مصطفی) از روم تاحدی متأثرشده واستاد سیرت به یک تشکل سیاسی بنام (شورای مصالحه ووحدت ملی) به کمک آلمان در شهر بن اقدام نمود. آنهاسه کنفرانس رابه اشتراک یکتعداد ازحامیان پادشاه سابق براه انداختندکه اوبا اینکارچندان راضی نبود. بهرحال وقتی موضوع افغانستان درزمان طالبان بیشترحساس گردید، جامعه جهانی، بخصوص حکومت ایتالیا و آلمان البته به تشویق امریکا کوشیدند تا روابط بین دوگروپ رادوباره ترمیم وآنها را باهم نزدیک ساخته وبه رفع بعضی سوء تفاهات بپردازندکه اینکارموجب همکاری مجددهردو گروپ در روم شد. جهت مزید معلومات بیمورد نخواهد بودکه دراین ارتباط به بعضی نوشته خوددرزمینه مختصراشاره نمایم: اینجانب بتاریخ ۷جون ۱۹۹۷ نامهٔ بحضوراعلیحضرت نوشتم که کاپی آنرابه دوستان نیز توزیع کردم وبعداًچون نتوانستم درسومین اجلاس شورای مصالحه و وحدت ملی که رئیس آن جناب سیرت صاحب بود، اشتراک کنم، لذایک نامه مبسوط عنوانی آن اجلاس ارسال داشتم وازاین انشعاب ابرازتأسف کردم که موجب آزردگی بعضیها ازآن گروپ گردید وچنان وانمود کردندکه اساساًکدام انشعابی صورت نگرفته است، درحالیکه این انشعاب بسیار محسوس و مشهود بود و البته مقالاتی هم در زمینه رد و بدل شد، ازجمله مقاله (جریان روم درآستانه انشعاب) منتشره ماهنامه کاروان ، شماره ۷۸ ، مورخ ۲۲ دسمبر۲۰۰۰ .همچنان قابل ذکرمیدانم که قبل ازآن دراوایل سالهای۹۰ م وقتی ازفعالیت تنظیمهاناامیدی بار آمد، بحیث یک مهاجرافغان ازحضور اعلیحضرت شان استدعا کردم تا نقش لازم را بحیث یک شخصیت بااعتبارملی وبین المللی در راه نجات کشوربعهده گیرندواگرخودنمیتوانند،باحمایت ازیک شخصیت باکفایت و صادق که مورد اعتماد شان باشد، دراین راه اقدام فرمایند و نیز پیشنهادهای هم خدمت شان ارائه داشتم که همه به نشر رسیده اند. ازجمله چندین مقاله ام یکی :(نقش پادشاه سابق در استحکام وحدت ملی وآینده افغانستان)، منتشره شماره ۱۳ مارچ ـ اپریل ۱۹۹۱مجله آئینه افغانستان، ودیگر مقاله(حالت اضطرار ولزوم زعامت ناجی)- منجی- منتشره شماره۳۳ آگست ـ سپتمبر۱۹۹۳ مجله آئینه افغانستان می باشند. اینکه درکنفرانس بن دردسمبر۲۰۰۱ باوجودیکه داکتر سیرت آرای بیشتر گرفت وبه بهانه اینکه بایدیک پشتون در راس قدرت قرار گیرد، حامدکرزی را فقط بادورأی از جمله ۱۳ رأی انتخاب کردند، برمیگردد به روابط قبلی ودیرینه کرزی باامریکائیهاونیزتاحدی هم نظرخصوصی شخص پادشاه که امریکائی ها اورا قناعت دادندتاازحامدکرزی حمایت کند. البته تذکر مختصر نقاط فوق یک تذکر ضمنی بود و محض جنبه معلوماتی داشت که خدمت عرض شد. بهرحال مصاحبه جاری آقای مصطفی ظاهر درچند نکته ذیل دارای اهمیت خاص میباشد ، ازجمله موضوعات ذیل: ـ اعلیحضرت نمیخواست پادشاه باشد؛ ـ در ۳۰ سال اول سلطنت قدرت بدست کاکاهاویک کاکازادهٔ شان بود؛ ـ دردهسال اخیرتمام مسئولیتها را بدست خودگرفتند؛ ـ اعلیحضرت میخواست برای مردم (گزینه)های دیگر ازجمله نظام جمهوری راپیش کندومیگفتندکه: بعداز۴۰ سال من بسیارمانده]خسته[شده بودم و من میخواستم که سه چار گزینه را برای مردم افغانستان بدهم: یکی آیا شما میخواهید ادامه این سلطنت را یا خیر؟ آیا شما میخواهید که همین سیستم تغییر بخورد بیک سیستم ریاست جمهوری؟ اگر میخواهید سیستم به ریاست جمهوری تبدیل شود، من کاندید رئیس جمهور نمی باشم. ـ هنگامیکه شاه در ایتالیا بود، بعضی ها از اینکه شاه تصمیم دارد پس از برگشت(سفر رسمی)؟ از ایتالیا جویای نظر مردم در باره تغییر نظام شود، موضوع را طعل دادند وکودتا ۱۳۵۲ شش ماه قبل از موعد اصلی به راه افتاد؟ با درنظر داشت اهمیت موضوعات فوق، الزم دانستم تا متن مکمل مصاحبه را که برای مدت ۱۵ دقیقه نشر رسیده بود، عیناً بطور زنده از طریق طلوع نیوزچندروز قبل به بدون کم وکاست به قیدقلم آورم که اینک خدمت تقدیم میگردد: (آنچه در بین براکت]...[درج شده محض برای سهولت از این قلم میباشد.)

آغازمصاحبه: گرداننده برنامه:«شهزاده مصطفی ظاهر نواده محمدظاهرشاه برای بحث بیشتردرمورد شخصیت وکارنامه های واپسین شاه افغانستان درستدیو باماست. آقای ظاهرسلام برشما وسپاس ازحضورتان درطلوع نیوز. درآغازبحث درمورد شخصیت و به گونهٔ هم]از[همان ویژگیهای منحصر به فرد آخرین شاه افغانستان بیشتر بگوئید .

مصطفی ظاهر: بسم الله الرحمن الرحیم اولترتشکرمیکنم از اینکه مرا دعوت کردید ودوم میخواهم عمیق ترین تسلیت خود را برای قربانیان ۲ اسد تقدیم کنم، خداوند متعال جنت برین را نصیب شان کند و کسانیکه زخمی شده اند، شفای عاجل وکامل دریافت کنند.حضور اعلیحضرت محمدظاهرشاه پادشاه آخرافغانستان یک آدم غریب پرور بود، یک آدمی بودکه ملت خودرا راستی دوست داشت و اینرا برایتان ازصمیم قلب گفته میتوانم که متعلق زیادبه شما بود، به مردم بود، چیزی که به خانواده خودبودند. خاصیتی داشتند که آدم حساس بودند، با حوصله بودند، بسیار باصبر بودند ونمی ماندند]نمیگذاشتند[وقتیکه یک موضوع که شکل بحرانی را میگرفت، نمی ماندندکه آنهارا دلسرد بسازند، کوشش میکردندکه راه های دیگربرایش پیداکنند وشاید آنهم یکی از دلایلی بوده باشدکه ۴۰سال وقت کوتاه نیست نسبت به تاریخ یک مملکت وتاریخ ۵هزارساله افغانستان، درازترین سلطنت راایشان داشتند، مگریک کسی بودندکه نمیخواستندکه پادشاه شوند، یک کسی بودند که نمیخواستندقدرت رابدست بیاورند،یک کسی بودندکه نمیخواستند پول وپیسه ونام مشهورداشته باشند. وقتیکه تاریخ اینها]ایشان[را تیله] مجبور[کرد، وقتیکه پدرشان شهیدشدنادرخان اعلیحضرت محمدنادر خان، یک جوان هژده ونیم ساله دفعتاًکاکاهایش بیعت می کنندو پادشاه میشود. ساعت ۴بجه دیگر۸ نومبر۱۹۳۳ اعلان میشود که اینهاپادشاه شدند.

دیگربرایتان عرض کنم: به ۳۰سال اول سلطنتشان سه کاکای بسیارقوی داشتندکه آنهاراپشتیبانی کردندودهسال آخرسلطنت تمام مسئولیتها راخودشان گرفتندوراستی میخواستندکه یک سلطنت مشروطه سرکار بیاید، اعضای خانواده سلطنتی قطعاً دیگرقدرت نداشته باشند، واگر شماماده ۲۴ قانون اساسی آنزمان رامطالعه کنید، بسیارواضح است برسراین موضوع. من برای شماعرض کنم که من ۱۷سال مکمل درخدمت شان بودم و چیزهای شایدمن خبرداشته باشم که بسیارکسان دیگرخبر نداشته باشند. خاطره نامه شان به پیش من است و یگانه کسی هستم که به پیش من است وآنرا درجایی ماندیم که از بین نرود. مردم افغانستان حق دارند که بفهمندکه در ۲۸سال هجرت خودآخرین پادشاه افغانستان چه کرد؟ نظریات متفاوت است، بعضی کسان منفی میگویند، بعضی کسان مثبت میگویند. خوب همین دوطرف یک سکه است.

سؤال: آقای ظاهرشمااشاره کردیدکه خاطره نامه آخرین شاه افغانستان باشماست و شما مدت زیادی را همرایش بودید. خوب اشاره هم کردید حرفهایی رامیفهمیدکه شایددیگران آگاه نباشند. شاه افغانستان درست است که دوران پادشاهی خود مشکلات شانرادارندوکارهایراهم دارند. ازدیدخودشان حداقل موضوعاتی درآن خاطره نامه شانست، خوبترین وبگونهٔ هم دستآوردزیادترشان چه بوده دردوران پاد شاهی شان، هم چنان اشتباه درکدام بحثها ازدیدشان اشتباه بودویااشتباه بزرگتربوده؟

جواب: من به خاطره نامه شان چیزی راخواندیم، من اینطورگفته نمی توانم مشخص دستآوردخودرانوشته کرده باشندو اشتباه خودرا. هرکس اشتباه میکند. دستآوردهای شانراما میمانیم]میگذاریم[که تاریخ قضاوت کند و اشتباهات شانرامی مانیم که تاریخ قضاوت کند. یک چیز را برایتان گفته میتوانم که ملت خود رابسیاردوست داشت و بسیار میخواستندکه درصورت امکان که امکان داشت به جامعه ایکه زندگی میکرد، حالاکه من گپ میزنم، ازهمان کانتکست] مقتضای[وقت وزمان باید قضاوت کنم نه به کانتکست امروز. افغانستان یک مملکت غریب بود، یک مملکت فقیر بود، بیسوادی بسیار زیاد بود، مگر وقتی یک فرصت میبینندکه آماده شده، بایداین فرصت را از دست ندهندو من یادم است وقتیکه بعداز ۲۸سال هجرت پس به افغانستان تشریف آوردند، ریش سفیدان آمدند وقصه کردندکه ماشمارا۳۵ سال پیش دیده بودیم، ۳۵سال پیش خون ماگرم بود، ۳۵ سال پیش ما شمارا اجازه نمی دادیم که به قریه جات مایائید وسرک بسازید. ۳۵ سال پیش شمارا اجازه نمیدادیم، البته ۳۵ سال مقصد ازتاریخ ۱۳۸۰بود، حالا ازپیش تان خواهش میکنیم مااشتباه کردیم مامی فهمیم که شمانیت خوب داشتیدوماحالا اهمیت سرک را می فهمیم که چیست. اینطور چیزهارامن بسیار زیاد دیدم ودیدم که دوران هجرت شان درایتالیاکه کودتای ۵۲ [۱۳۵۲]صورت گرفت، شاید دلچسپ برای بیننده هایتان باشد وکسانیکه ریسرچ مطالعات تاریخ رامیکنند. خودشان بارهابرای خانواده خود، به شخص من گفتندکه بعد از ۴۰ سال من بسیارمانده]خسته[شده بودم و من میخواستم که سه چارگزینه را برای مردم افغانستان بدهم: یکی آیا شمامیخواهیدادامه این سلطنت رایاخیر؟ آیاشمامیخواهیدکه همین سیستم تغییربخورد بیک سیستم ریاست جمهوری؟ اگرمیخواهید سیستم به ریاست جمهوری تبدیل شود، من کاندید رئیس جمهورنمی باشم. یعنی این پلانهاراهمگی راداشتند، منتهاوقتیکه نیت داشتندکه بازگشت کنند ازسفر رسمی خود ازایتالیا، بعضی کسانیکه نزدیک همراه شان بودند، این احوالات رارسانیده بودندوهمان بودکه کودتای ۱۳۵۲ شش ماه پیشتر افتاد، برای اینکه میگفتند وقتیکه خودپادشاه اعلان کند و گزینه ای برای ملت بدهد...

سؤال: آقای ظاهرچه شده بود که شاه افغانستان به این تصمیم برسند که باید نظام تغییرکندوحداقل بیایندیعنی همان چیزیکه خواستشان است، مطرح بسازند. شرایط واقعاً وادارکرده بودکه این تصمیم را بگیرند یا اینکه حداقل فکرهای بیشترنسبت به افغانستان داشتند؟ جواب: این نظرشخصی خودمن است، فکرهای بیشتربرای افغانستان داشتند ومیخواستندکه مردم یک گزینه داشته باشند. شایدنیم نفوس نمی خواست که سلطنت را ادامه بدهد پس ۴۰ سال یک نفر به سرتخت نشسته باشند. دیگر مفکوره همین بود که یک چانس برای مردم داده شود و احترام شود تصمیم مردم افغانستان. من برایتان بگویم که شما ممکن آنوقت تولد نشده باشید، مردم های استندکسانی استندکه دوروپیش افغانستان ویادرداخل افغانستان استندکه حیات دارند، پشت از اینهازیادپریشان میبودندحتی ازآنها یک مسکین را بالامیکردند بخانه شان میرسانیدند]مقصد ازدلسوزی به غریبها است[من نمیخواهم یک فرشته بسازم ایشانرا، اما اینقدر یک آدم خوب بودند، آدم حلیم بودند وبسیارعقیده به عدالت اجتماعی داشتند .

سؤال: حداقل تاچه حدتوانسته بودند همان برنامه هایی راکه نسبت به افغانستان داشتند، دردوران سلطنت شان عملی بسازدوکارهایی راکه به گونهٔ باقی مانده بودو برایش قابل نگرانی بود، خوب اینکارها نشد، ولی این بحث هم پیشتربودکه کدام مواردبود حداقل تاچه حد توانسته بود که برنامه های خود را عملی ساخته باشد؟

جواب: یکی آن سلطنت مشروطه بودیعنی ازسلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه باید آلش] تبدیل[میشد، موفق شدند.البته درسال ۱۳۴۱ـ۴۲شمسی یک گروپ متفکرین که هنوز بعضی شان حیات دارند، فرض کنیم داکترصاحب فرهنگ به ستدیومی باشند، میتوانندبیشتر روشنی بیندازند. داکترصاحب رهین که آنوقت بسیارجوانتر بودند. بعضی کسان دیگرکه خودشان نیستند، مگرکتابهایشان موجود است. من یک روزپرسان کردم دریک کتاب بسیارشدید سرشان یک حمله شده بود] مقصد انتقاد است[، روی خودرادور دادندوگفتندکه: (بچیم هرکس مثل توبه چشم خودمرا نمی بیند، هرکس مرامثل تومرانمی بیندوچیزی که به همین کتاب حمله که شده، من برایت میگویم که حقیقت هم دارد)، یعنی یک آدمی بودندچیزی که حقیقت میداشت، منکرنمیشد.

سؤال: یعنی بحث انتقادپذیری رامطرح میکنید!گذشته ازآنهم نقش شاه برمشروعیت بخشیدن برنظام فعلی یعنی بعداز اینکه افغانستان یک دوره تازه را آغازکرد، در زمان حکومت مؤقت انتقالی تافعلاچگونه بود؟

جواب: من فکرمیکنم نقش فعال رابازی کردند، چونکه خودشان آخرین پادشاه افغانستان بودندوتوسط کودتاـ نه انقلاب، کودتای نظامی چندصاحبمنصب کوچک آنهم از داخل خانواده چه شدند. من برایتان عرض کنم وقتیکه ۱۱سپتمبرصورت گرفت، جهان یک پلان برای افغانستان نداشت، فقط و فقط پلان سه فقرهٔ پادشاه سابق بود وهمان پلان سه فقرهٔ بودکه به کنفرانس بن از ۲۸ نومبرتا ۶ دسمبرسرش گپ زده شد، قبول شد وچیزیکه سرسلطنت بود، آن پس شد ودیگر همان قانون اساسی مؤقت ماشدتاکه قانون اساسی فعلی ماکه من فکرمیکنم پیشرفته ترین قوانین اساسی جهان برای یک مملکت اسلامی است که مامی پذیریم و احترام می کنیم.

کوشش خود راکردند، موفقیت خود را داشتند، ناکامیهای خودراداشتندوآنرا میمانیم که تاریخ سرش قضاوت کند.

سؤال: حداقل مشوره بگونهٔ هم راهکارهای امروزافغانستان راهم داشتند یاخیر؟ حداقل کدام مواردشاه افغانستان درصدربرنامه هایشان بودو همچنین مشوره هایش]چه بود[به کسانیکه درصدرنظام افغانستان قرار گرفته بودند؟

جواب: زیادتراعتمادسازی همراه مردم که چه قسم فاصله راکوتاه بسازند ویاکمتربسازند مابین مردم وحکومت بهردلیلیکه بود. چطور یک رهبر انعطاف پذیری را نشان بدهد، بزرگواری را نشان بدهد، مگر جائیکه جدیت لازم باشد، آنراهم نشان بدهد. این مشوره شان بود، زیادترمشوره شان سرصلح بود، سرآرامی بود، سرثبات بود بخصوص صلح، حاکمیت قانون بودکه بسیارتأکیدداشتندومی گفتندکه بدون حاکمیت قانون شماهیچکارهارا پیش برده نمیتوانید وهمین کوشش میکردندکه چونکه مردم آنوقت ۳۵ سال جنگهای متواتر زیرشاک]فشار[روحی بودند که آهسته آهسته همراه شان کار شود، همراه شان مشوره شود، آگاه شوند. همان کسانیکه از تاریخ دسکونکت]بریده یا قطع[شده اند، مثلیکه یک سیم برق راچه میکنید، کنکشن]دوباره پیوند یاوصل [شود. خوب کم وقت بود، ۶سال وقتیکه پس به افغانستان می آیند، ۶ سال دیگربه خدمت مردم خود بودند ویکسال آخرش را مریض بودند، مگر با آنهم درهمان بستر مریضی تا جائیکه می توانستند، یک مشوره صلح آمیز، پیام شان همیش صلح بود، پیام محبت بود، پیام دوستی بود، پیام برادری وبرابری بودوآنها برادراندر، خواهراندروبچه اندرنداشتند، مردم افغانستان راهمه بیک چشم میدیدند، خوردترین تبعیض نداشتند، حتی اقوامی رامیدیدندکه به حاشیه گذاشته شده اند، آنهاراکوشش میکردند که بیاورند به مقامات مختلف. اینکه تاریخ چه قسم قضاوت میکند، من شایدیک ذره چه باشم چونکه بسیارنزدیک با آنها بودم، شایداین قسم فکرکنند، مگر خوب است که شما یک گروپ متخصصین را جمع کنید.

سؤال: بعنوان سؤال آخرتاچه حدنظام فعلی افغانستان حداقل ازتاریخ گذشته به گونهٔ هم درس میگیرد، دقیقاً برنامه هایی را درگذشته بود با توجه باشرایط فعلی افغانستان عملی میسازد. گذشته ازآن تاچه حد حداقل مشوره های راکه ازدید شما در نظام فعلی افغانستان عملی میشود وپیش میرودوهمچنان خواست خانواده فعلی شاهی ازحکومت افغانستان چه است؟

جواب: اول ماموفقیت حکومت مشروع افغانستان راکه توسط مردم افغانستان انتخاب شده بودوحکومت وحدت ملی ولوکه جنجالهای انتخابات بود، آنرا آدم منکر شده نمیتواند، مگر اگر همین حکومت را نداشته باشیم، چه رامیداشته باشیم. لهذا]نقش هر[یکی ازخانواده اسبق سلطنتی این است که رول مثبت بازی کند برای پیشروی بین مردم و حکومت مشروع و منتخب افغانستان. من فکر میکنم که جلالتمآب رئیس صاحب جمهورکه خودشان آدم متفکراستند وجلالتمآب رئیس صاحب اجرائیه پیام شانرا هم از رئیس صاحب جمهور راشماشنیدید وهم از رئیس صاحب اجرائیه را . فکرمیکنم که اینها درک میکنند، مگرتطبیق آن بعضی وقت مشکل میباشد، آدم نمیتواند که بگوید همه چیز راتطبیق کند، مگردلشان میشودکه اراده قوی را دارند که تطبیق کنند، مگر بعضی وقت آدم هر چیزی را تطبیق کرده نمیتواند به ترتیبی که خود آدم میخواهد.

مجری برنامه: سپاسگزارم شهزاده مصطفی ظاهرنواده محمدظاهرشاه از اشتراک شمادربحث. مصطفی ظاهر: از شماسپاس. /»

یادآوری لازم: مرحوم شاه سابق، هژده ساله وشش ماه بودکه پادشاه شد، ودرهژده سالگی وهفت ماهگی، حکم اعدام عدهٔ کثیرشاگردان و معلمان وکارگران مظلوم وبیگناه راامضافرمود وتاشاه بودچنین احکامی رابارهای دیگرنیزتوشیح کرد. اینکه کاکاهامسوؤل کارهابودند، حرف درستی است، اما حکم اعدام درهرکشورتوسط زعیم اول صادرمیشود و هیچ شخص دوم این صلاحیت را نمی داشته باشد. ازتوضیح سایرحقایق مستند پرهیزگردیده فقط همین یک فقره یادآوری شد. اداره

****

حامدکرزی و زلمی خلیلزاد (دنباله ازصفحهٔ دوم)

صفحهٔ ۲۱۲ آن ثبت شده که نوشتهٔ بعداً با کرزی ملاقات داشتم. با خودگفتم چون هرکس براو ضربه های خود را حواله میکند، من بایدبه اوگوش دهم. او در بارهٔ اینکه چگونه روسیه، ایران وپاکستان درامورافغانستان مداخله ودست درازی دارند)که همهٔ آن صحیح بود) بیاناتی داشته تذکرداد که: آنهابااتحادشمال یکجا با همدیگربضداوفعالیت دارند!که آنچه فکرمیکرد، برای خودش یک حالت دماغی توطئه گرائی را ازطرف آنها بمیان آورده بود. او دربارهٔ اینکه شمول اتحادشمال، مملکت رابخطرمواجه ساخته،این مردم(متحدین پوتین)بوده اکنون اعضای پارلمان وحتی اطفال را بقتل میرسانند، سخنهائی گفت. این عمل(قتل اعضای پارلمان و اطفال، مترجم) توسط طالبان یاالقاعده نه بلکه توسط افرد(بد)خودماصورت گرفته است. کرزی گفت: حکومت او (ضرورت به مشوره باایالات متحده داردکه چگونه با اینها رفتارصورت گیرد) زیرا تمام عملیاتهای طالبان درجنوب افغانستان بوده همه تاثیرات ناگوار جنگ بردوش پشتونهاتحمیل شده وآنهافکرمیکنند که ماآنهاراموردهدف قرار داده ایم. اوگفت: برای اینکه این موضوع راتحت نظارت قرار داده بتوانیم، ضروریست که باقبایل(tribesمقصدپشتونها، مترجم) ازنزدیک دیده باایشان یکجاکار نمائیم —این کرزی کلاسیک بود- پارانوئید و از حدگذر، اما نه لزوماً غلط (دربارهٔ مشوره با امریکا، مترجم) .

اینست نمونهٔ یک رئیس جمهورتفرقه انداز، تبعیضی وبدبین که خلاف اساسات لیدرشپ وحکومتداری دست بفعالیت زده است. اگربه گفتار این دشمن ملت افغانستان دقت کنیم، اوعلاوه ازینکه قومگرائی و پشتونخواهی راپالیسی شخصی خودنمایان ساخت، برجبههٔ متحدتهمت بست که متحدین پوتین اندوآنهارامردمان(بد) یادکرد ودرعین زمان دروغی گفت وازطالب والقاعده طرفداری نمود که آنها قاتلین اعضای پارلمان و اطفال نیستند؛ بدینصورت وفاداری خود را به طالب و القاعده ازیکسو وآی اس آی پاکستان از جانب دیگرثبت اوراق تاریخ نمود. امریکایی راکه برادران ناراضش کافرمیخوانند، دوست خودگرفت واز هموطن، مسلمان ومجاهدخود نزداوغیبت کرد.

احمدرشیدپاکستانی که به اساس رهنمائی آی اس آی مینوشت، در صفحهٔ ۱۲کتاب (نزول دربی نظمی کامل)یاDescent into Chaosخودکرزی رااز قربانیان اولیه یادکرده نوشته است: منحیث پشتون در یک حکومتیکه اکثرأتوسط تاجیکهاکنترول میشد)تفرقه اندازو دولتداری کن، مترجم) به امروزیرداخله جنرال محمدفهیم ومحمدعارف رئیس استخبارات مسعودمحبوس شد(دلیل آنراکه جاسوسی بود ذکرنکرده است، مترجم). هنگامیکه بامحمدعارف مشغول سوال و جواب بودندعمارت استخبارات بدون توقع موردحملهٔ راکت قرارگرفت (قصداً ازطرف گلبدین و به اشارهٔ آی اس آی یا CIAمترجم) وکرزی اززمینه استفاده کرده فرارنمود. کرزی که رئیس حکومت مؤقت شد فهیم وزیردفاع وعارف رئیس استخباراتش بود. وقتیکه پرسیده شد: آیاشماموضوع حبس تانرابا فهیم وعارف درمیان گذاشتید؟ جوب داد: نه بهیچوجه- همهٔ انهادرسابق بود و فراموش شده است؛ که بازهم به اساس نوشتهٔ رابرت گیت که دربالا ذکریافت جزء یک دروغ عظیم چیز دیگر به آن اطلاق شده نمیتواند! (دنباله درصفحهٔ هفتم)

بازگشت همه به سوی پروردگار است.

– وفات مرحومه بی بی حاجی سلیقه آدینه منور، همسرمرحوم استاد الحاج محمدکامل منور را به برادرعزیز انجنیرمحمدمظفر منور وخانواده های محترم منور، قویاش، مژده و کلیه بازماندگان صمیمانه تسلیت می گوییم. امید

– وفات مرحوم محمدنسیم سابق معین وزارت معارف رادرورجینیابه خانواده های محترم نسیم، عزیز، قرغه وسایربازماندگان صمیمانه تسلیت میگوییم. امید

– وفات هنرمندخوب ما مرحومه خانم سارا زلاند، همسرشادروان عبدالجلیل زلاند هنرمندمعروف، رادرکالیفورنیابه فرزندان هنرمندش، وابستگان و جامعهٔ هنری کشورصمیمانه تسلیت میگوییم . امید

وفات مرحوم محمدعزیزپوپل رادرورجینیا به خانواده های محترم پوپل، ناصری وسایربازماندگان صمیمانه تسلیت میگوییم. امید

به یاد شادروان محمدعصیم کوشان. که همکارمهربان امیدتا روز پیوستنش به حضرت حق (ج) بود .

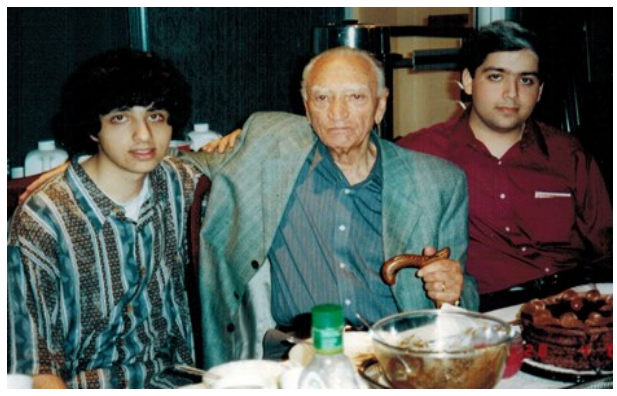

ازچپ : شادروانان محمدعصیم جان و دگرجنرال محمدنذیرکبیرسراج کاکای مادر محمدعصیم جان، محمدقویم جان کوشان

****

کرزی فرستادتاتسلیمی قندهاروبرآمدن محفوظ لیدرشپ طالبان رابااودرمیانبگذارند. ملاعمر سرکردهٔ این هیأت یک لیدر ارشدطالب عبدالوحید بغرانی راکه یک شخص مشهور قومی وهم لیدرمحترم مجاهدین بود, انتخاب کرد (منبع این معلومات, مصاحبه باعبدالوحید بغرانی درقندهارماه می ۲۰۰۵ ودرکابل جولای ۲۰۰۹ میباشد). اعضای هیأت شامل, طالب لیدرامیر محمدآقا خسرلیدر طالبان و طیب آقایکی ازیاران نزدیک ملاعمربود. آنهاپیشنهاد کردند که ملاقیب الله از دستهٔ ضدطالبان که یک شخص باقدرت بوداگرتصدی قندهاربه او واگذارشود موردقبول طالبهاخواهد بود.هیأت برای مذاکره یک مکتوب تسلیمی که ازطرف ملاعمرامضا شده بودبا خودداشتند ودرآن ملاعمرموافقه نموده بود که قندهار در ظرف سه روز تسلیم میشود. قراراظهارات یک عضو این هیأت, کرزی درمقابل, به یکعده وعده ها دست زدکه مشتمل بود بر: آزاد ساختن محبوسین طالب که درشمال افغانستان تسلیم شده بودند وبرای هریک قوماندان طالب اجازهٔ پنج محافظ مسلح برای امنیت شخصی درخانه هایشان (منبع این معلومات, مصاحبه بایک دپلومات غربی درماه دسمبر۲۰۱۲درکابل است که عضو یک هیأت مذاکرات صلح باکرزی درعین سال این معلومات رابه اوارائه نموده بود). اماکرزی مکتوب تسلیمی ملاعمررا نپذیرفت! که نویسنده کرلوتا گال این عمل اورا(ممکن جهت جلب رضائیت شان) تعبیر کرده است. اما بعقیدهٔ من خیانت ملی است که بمقابل مردم افغانستان مرتکب شده وقابل عفو نمی باشد.

کارلوتا به نوشتهٔ خود چنین دوام داده است: یک رفیق صمیمی کرزی بنام حفیظ الله خان بسیار خشمگین بود ازینکه کرزی یک سند مهم تاریخی راکه سندصلح بوده میتوانست, ازدست داد. خان اظهارداشت: اگرکرزی این ثبوت رامیداشت که ملاعمربه تسلیمی موافقه کرده از قدرت گذشته است, طالبان نمیتوانستندشورشهای بعدی خودرا روانپندارند. بعدا اوگفت کرزی درک نکردکه این یک سندبسیار مهم بود! (چطورامکان داردیکفرد مجرب, زیرک, هوشیارو مفتن مزاج اهمیت اینطور سند را درک نکند, مترجم). یک دهه بعد وقتیکه کرزی میخواست دربارهٔ صلح و ختم شورش مذاکره آغاز نماید, طالبان موجودیت مکتوب تسلیمی ملاعمر را رد کردند {منبع این معلومات, مصاحبه باحفیظ الله خان درماههای اکتوبرونومبر ۲۰۱۲ درکابل است. حفیظ الله خان اکنون (دروقت نوشتن این کتاب, مترجم)یک دپلومات ارشددروزارت خارجهٔ افغانستان بوده هنوزهم یک رفیق صمیمی کرزی میباشد. اوبزودی بعدازشکست قندهارباکرزی درقندهار ملاقات نمودوازخودکرزی گرفتن مکتوب (تسلیمی , مترجم) ملاعمر را شنید. دپلومات غربی که درمذاکرهٔ صلح دخیل بود تائید کرد که طالبان موجودیت این مکتوب را رد کرده اند}.

قسمیکه درسابق تذکردادم بازهم یادآورمیشوم که این اولین قوماندان اعلای نظامی یک مملکت درتاریخ جهان خواهدبودکه تسلیمی دشمن مردم خودرابه اساس قومپرستی پشتونخواهی خودنپذیرفت؛ درهرجای دیگردنیااین عمل بذات خودمحاکمهٔ جدی وحتی اعدام بخود میداشت. کرزی بانپذیرفتن تسلیمی لیدرطالب ملاعمرظالم مسلمانکش خونخور, خون قتل هزاران زن ومرد وطفل وپیروجوان راکه بعداز نپذیرفتن تسلیمی ملاعمررخداده، به گردن گرفته که اگردرین دنیا مجازات نشود درآخرت هریک ازین شهدا ازگردنش گرفته بسوی خود خواهد کشانید که برایش منظرهٔ گوارا نخواهد بود. این عمل مترافق عمل یک خاین ملی دیگراست که خودش درقعرزمین وآتش سوزان میتپد وما قرنهابعد درروی زمین ازخیانتش میسوزیم و دعای نیک برایش نثار نمی کنیم. او امیرعبدالرحمان با معائدهٔ دیورند است.

معلومات فوق بادقت ومآخذمستندآن حضور قانونداناان محترم و حقیین کمیتهٔ عدلی و قضائی تقدیم شدتادرقدم اول اسم کرزی ازمیدان هوائی کابل حذف نموده مسکنش از نزدیکی ارگ بجای دیگردر حالیکه تحت نظردایمی امنیت ملی باشد,انتقال داده شود. من آنچه شرط بلاغ بود نوشتم اکنون باقی دردست شما نمایندهٔ دولت برای مردم افغانستان و خودکرزی است که باید جوابگو باشد!

وهم فراموش نبایدکرد که: اگراین مسؤولیت عادلانه صورت نگیرد ظالمانه خواهدبودخداوند(ج) درقرآن پاک اضافه از دوصدمرتبه در بارهٔ ظالم وجزاهایشان ارشاداتی داردوهم درمسلم که درسه صدحدیث یونس حیران آمده رسول خدا (ص) فرموده : آیا (چطور) شمارا به بزرگترین گناهان مطلع نگردانم؟ وان عبارت است ازشرک به خدا(ج), رنجانیدن پدرومادر, وگواهی وگفتاردروغ وباز در همانجااز ابوداوودآمده که: ازحضرت رسول پرسیده شد عصبیت چیست؟ فرمودند: همکاری وکمک بامردمت در تشئیدظلم. همچنین درهمانجاازابو داوود روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: نیست ازماکسیکه برای تقویه و پیشبرد اعراض نامشروع قوم خودرا طلب کند, نیست ازماکسیکه به منظور فوق مقاتله میکند و نیست ازماکسیکه با این مفکوره بمیرد. و بازهمانجا ازبیهقی نقل شده که حضرت رسول الله(ص) فرمود: کسیکه ظلم ظالم رامیداند, بآنهم برای تقویت وی میکوشد از دایرهٔ کمال اسلام بر آمده است. و حضرت جامی (رح) میسراید:

بندهٔ عشق شدی ترک نسب کن جامی که درین راه فلان بن فلان چیزی نیست/

محمدیوسف صفا سپرنگفیلد- ورجینیا

آفتاب ای آفتاب

چند روزیست هوایی بس داغ وگرم داریم که گاهگاه طاقت فرسامیشود .اینک ابیاتی به شکل شکوایيه و خطاب به آفتاب رقم زده ام که با شما دوستان شریک می سازم:

آفتاب ای ، ای آفتاب ، ای آفتاب — سخت سوزانی ، برو برمن متاب
گشته تن درآتشت همچون کباب — ناله هم چون دود اندر پیچ و تاب
آفتاب ، ای آفتاب ، ای آفتـــاب — سخت سوزانی ، برو برمن متاب
صبحدم چون سر زنی از مکمنت — لـــرزه افتد بر تنم از دیدنت
دست ما بادا و یارب دامنـــت — سوزیم ! چند این عداوت با منت
آفتاب ، ای آفتاب ، ای آفتاب — سخت سوزانی ، برو برمن متاب
هر زمان تا می کشی رخ ازنقاب — شکوه خیزد از زبان شیخ و شاب
سوز محشر را نباشد آب و تاب — پیش آتش خویی تو ای جناب
آفتاب ، ای آفتاب ، ای آفتاب — سخت سوزانی، برو بر من متاب
ابر ها، ای ابر های نقـــره سا — چهره پوشانید بر این بی حـیا
بر زبان باشد مرا بس شکوه ها — داردم در سوختن دایم چرا ؟
آفتاب ، ای آفتاب ، ای آفتاب — سخت سوزانی، برو برمن متاب
شکوه گرسر میکنم از تو به جاست — ناله گر سرمی دهم نی نا رواست
سوختن ماراهمان کاری خطاست — آه سوزان دایم از تو، بر هواست
آفتاب ، ای آفتاب، ای آفتـاب — سختَ سوزانی ، برو برمن متاب

****

حامد کرزی و زلمی خلیلزاد (دنباله ازصفحهٔ ششم)

این موضوع ازجهتی تذکرداده شدکه آن رویهٔ تاجیکها رافراموش نکرده وخواست نزد امریکائیها چغلی کرده آنهارا فریب داده بمفاد خود استعمال نمایدوبرای جبههٔ متحد نهال توطئهٔ منحوس خود راغرس کند؛ درمقابل چلوصاف خودش ازآب برآمدو پارانوئید وازحد گذر معرفی شده مقام خودرا درمقابل وزیردفاع امریکا بیحدپایان آورد وهم با اتهامات خودقتل اعضای پارلمان واطفال رابدوش جبههٔ متحد انداخت که کاملاً ضد تعلیمات اسلامی بوده است.

داکترنظام الدین نافع درکتاب (منهیات دراسلام) صفحه ۱۹۳ دربارهٔ تهمت چنین نگاشته است: قرارتعریف فرهنگ معین و دهخدا, تهمت نسبت گناه و عیب به کسیکه دارا نباشد. بهتان, افتراء و دروغ بستن است. تهمت زدن بیگناه از زشت ترین کارهایست که اسلام آنرا بشدت نکوهش کرده است. دین مقدس اسلام شاید تهمت راازین جهت حرام قرارداده است تاآبرو وحیثیت انسانهامحفوظ بماندو ازمفاسداجتماعی واخلاقی درجامعه جلوگیری شود. زیرا اگرافرادفاسدآزادگذاشته شوندتاهردشنام وهرنسبت ناروائی رابهرکس که بخواهندبزنند حیثیت ونوامیس مردم درمعرض خطرقرارمیگیرد, ومحیطی ازسوءظن وبدبینی درجامعه حکمفرمامی شود ازینرو باید تهمت زننده را هشتاد تازیانه بزنند تا حیثیت و آبروی مردم بازیچهٔ این و آن قرار نگیرد ومردم درفضای پرازصمیمیت ومحبت باهم زندگی کنند...

همانجادرصفحهٔ ۲۱۳دربارهٔ دروغ چنین نوشته شده: زشتی دروغ و اینکه دروغگوئی چه تاثیربدی به روان شخص دروغگو وبه نهاد کسانیکه درجامعه باوی زندگی میکنند میگذارد, بهمه معلوم است. دروغ گفتن یکی ازنشانه های نفاق است. دروغ باایمان سازگاری ندارد. دروغ اعتمادواطمینان را که مهمترین سرمایهٔ یک جامعه بشمار میرود, نابود میکند ودروغ سرچشمه واساس همه گناهان است. دین مقدس اسلام به صداقت وراستگوئی اهمیت فوق العاده داده وکذب ودروغ را نکوهش می کند...همانجا درصفحهٔ ۱۶۷دربارهٔ غیبت چنین آمده: دین مقدس اسلام بوحدت و یکپارچگی جامعهٔ اسلامی وانسجام واستحکام آن اهمیت فوق العاده قایل شده است بنابرآن هرچیزیکه سبب تحکیم این وحدت شود موردعلاقهٔ اسلام قرارمیگیرد و هرچیزیکه آنراتضعیف نماید نزدآن منفوراست وغیبت یکی ازعوامل مهم تضعیف این انسجام محسوب میگردد...

بناء بااتهامات کرزی به جبههٔ متحد، به مفاسداجتماعی واخلاقی درجامعه دامن زده شده, آبرو وحیثیت یک گروه مجاهدین مومن مسلمان ووطندوست را جریحه دار ساخته, محیطی ازسوءظن و بدبینی را در جامعه حکمفرما ساخت. با دروغ خود علَم نفاق برافراشت وباغیبت گردن درتضعیف دین مقدس اسلام شریک شد.لذاکرزی اوصاف یک لیدرراندشت: ازاوضاع عمومی مملکت وحالت غربا باخبرنبودبا بلیونها دالر بایدیک فردغریب ویاگدائیگر درسرکها دیده نمیشد وملت تحت خیمه های مفلوک و پاره پاره در زمستان سنگ ترقان کابل زیست نمیداشت, قدرت فیصله گیری مفیدبرای مردم نداشت تحت نفوذوسایهٔ دیگران قدم برمیداشت, خود قدرت تلقینی نداشت واما ازطرف اضافه از یکصد مشاور تلقین شده میرفت, در حسابدهی بمردم کاملاً ناکام بود موضوع فقدان حسابدهی قناعت بخش کابل بانک تا هنوز پا درهواست, فوق العاده بخود اعتماد داشت و خود را شیر! میدانست شیر!, خوشبین نبود بدبینی اورا درمقابل مردم شمال از رابرت گیت شنیدید, بمقابل مردم افغانستان ازصداقت کاملاًبی نصیب بود، بلیونهادالررابه بادفنادادآن پولهارا به صداقت بمصرف نرسانید- دروغ گفت, تهمت کرد و انتخابات تقلبی داشت, تمرکز دماغی داشت اما نه برای مردم افغانستان بلکه برای کمک به طالب و پیست بارسفربه پاکستان, الهام بخش نبودونتوانست بنیادپایداراقتصادی، اجتماعی، سیاسی بمیان آورد، و مصلحت را برعدالت ترجیح داد. تا هنوز درامور دولتی ,ممکن بطرفداری طالبان, مداخله داردوتخریبکاری راپیشهٔ خودساخته است. به دانشگاههامیرودتا افکار محصلان معصوم را مغشوش حتی مسموم سازد! نمیدانم ازیک لیدرنالیدر ناکام چون حامدکرزی که عروج وطن باستان, سربلند و ایماندارشانرا به مفسد ترین ممالک جهان نزول بخشیده است؛ به محصلان عزیز, چه درس خوبی خواهد داد؟

مطبوعات آزاد بود اما ازژورنالستها حمایت قناعت بخش صورت نگرفت. پس چگونه میتوان, نام یک لیدرناکام وخاین ملی را زیب میدان هوائی بین المللی کابل ساخت, درحوالی ارگ مسکن گزینش کرد و ملیونها دالربرای مصارفش پرداخت تا باز به برادران ناراضی خودکمک کند وامنیت ملی وطن ما افغانستان عزیز راتخریب نماید؟ این روش به هیچ نوع درهیچ اقلیم نمی گنجد!

۳- کارلوتا گال درصفحه ۳۴ کتاب The Wrong Enemy(مریکادر افغانستان بین ۲۰۰۱- ۲۰۰۴) چنین پرده از اسرارمهم تاریخی برداشته است! کارلوتامینویسد:این اولین بارنبودکه ملاعمربا کرزی به تماس آمد. چندهفته قبل, فقط چندروزبعد از شکست مزارشریف،عمربازبه کرزی تلفون کرد. یکنفریاورکه ازطرف لیدرطالبان سخن میگفت, ازکرزی پرسید:چه تصوردارد وچه فکرمیکند که چگونه این جنگ خاتمه خواهدیافت. کرزی تقاضای امریکارابرایش چنین بیان کرد:تسلیم بلاشرط طالبان! یاورگفت: ملاعمر بعدا با او بتماس میآید (منبع این معلومات کتاب Eric Blehm است که ترجمهٔ عنوانش چنین میباشد: یگانه چیزیکه مرگ برایش ارزش دارد: چطوریازده (گرین بیری ها)برای افغانستان جدیدبه جلورفتند؛ نیویارک, هارپرکولیبر, صفحه ۹۱ سال ۲۰۱۰).

کارلوتا گال دوام داده مینویسد:اکنون سه هفته بعد, موازنه قوا برهم خورد, قبایل به دورکرزی جمع شدند وطالبان به چند ناحیهٔ محدوددرقندهار عقب نشینی نموده تنها سه هزارطالب مسلح دراختیارداشتند. لیدرطالبان یک هیأت رانزد(ستون اول)

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید
Omaid Weekly
P.O. Box 30818
Alexandria, VA 22310

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر- یکسال(۹۰) دالر
کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر - یکسال (۱۱۰) دالر
سایرکشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۳۰)دالر

Afghan Play Review: **By Afzal Nasiri**

Temple of War: Young Afghans bring theater to Diaspora

July 9th 2016 was a watershed moment in the life of Afghan – Americans aspiring to work in a Play and bring it live to a Theater.

Hamid Naweed of Northern VA just did that. With the help of raw talent of young men and women, with a miniscule budget, with all voluntary cast. The group of young talented Afghans took up the challenge as an amateur entering the professional field of Theater.

It was also a fusion of live theater with a video presentation which is called multimedia presentation in theatrical shows. It was a first venture for all those involved from producer, director, writer, and cast to the world of Mixed Media presentation. The production team camera cameraman, scriptwriter, and management team spent seven months in production of this show. Let me give the reader a perspective, consider space technology. If "Temple Of War" was a satellite, it would be a Sputnik, launched by USSR in April 1957, size of a beach ball; or the Explorer 1, the American version launched in Jan/1958. Today, we have Spacelab and Space shuttle. Today we are about to explore Jupiter (500 million miles away).

It all happens with baby steps. I am confident, given the opportunity and proper budget and location. The second production will be vastly different from the first. It was a necessary first step. Unfortunately due to the limitation of time in Warner Theater the entire show was not played on the stage, however, it will be played once again in a near future.

Yes, I would have liked to see it play out in a small neighborhood theater, before going out Prime Time in the vast public arena of Metropolitan DC and to the Warner Theater with its time limitations and tight management. There are venues in Virginia or Maryland which may cost less and provide big bang for the buck.

A Community College theater would have been ideal. Even though the Temple of War had no marquee names or any special effects, still it was a big deal for the Afghan American society in VA, MD and DC.

The story revolves around the first century AD. Indo-Scythians is a term used to refer to Scythians (SAKAS) who migrated into parts of Central and Northern South Asia (Sogdiana, Bactria, Arachosia, Sindh, Kashmir Punjab etc.) +from the middle ages of the second century BC to the 4th Century AD.

For his play Hamid Naweed selected a portion of that age and tried to bring out the story of the dynasty of the time ruling the area of Ariana, now called Afghanistan. Mr. Naweed revolves his story of love, power, vengeance, war and peace, around it. The ruling class was faced with the possibility of war and killing, which the writer and his cast has firsthand experience (in Afghanistan). The story gives victory to love; love of a mother who manages to calm the fighting brothers, in spite of losing the husband to a killer.

The war aspect of the play reminded me of the unfolding history of Afghanistan where war has ravaged since 1978, Peace is still a distant reality.

Temple of War is just a ceremonial phenomenon for us, I will not compare it to a Broadway show and I am not talking about glowing accolades, yet it is the first step.

I hope all those involved will have a second look at their management skills and be their own critic for the next project.

The evening of July 9th also saw Afghan singers, Salma Jahani and her son, present the audience with some nostalgic popular hits. The evening was also witness to a stand up Afghan comedian.

Kudos to Mr. Aman Amin, VP Afghan Academy, who spent countless hours, managing the ticketing and securing financing. Good Luck in your next project.

****

تصحیح و تکمیل ضروری

درشماره ۲۰۲۲ ستون اول صفحهٔ دوم، بخش پایانی مقالهٔ همکاربرازنده ودانشمند امید جناب پروفیسرداکترحمیدهادی، متأسفانه نسبت مشکل تخنیکی که با کامپیوترنو وجود دارد، ناقص به چاپ رسیده بود. با تقدیم پوزش خدمت ایشان و خوانندگان ارجمندامید، آن بخش مقاله را درینجا نشرمی کنیم. اداره

... «درقطارکشورهای اسلامی، پاکستان باوجودداشتن دستگاههای جاسوسی آی اس آی وهزاران مدرسهٔ اسلامی تروریستی ودهشت افگنی، تازمانیکه موقف نوکر راداشته ومقاصد انگلیس وامریکا را درحوزه پیاده میکند، درامان خواهدبود. چنان به نظرمیرسد که قتل، خونریزی، اقدام به کودتاها وازهم پاشیدن نظامهای سیاسی و اجتماعی درکشورهای اسلامی یک منشأ داشته وشامل همان پلان وسیع برای کنترول جهان میباشد.تاریخ نشان میدهدکه باوجودقتل، خونریزی وبیچارگی در اینکشورها، عاملین این اعمال تسلط برجهان ازقضاوت گردون درامان نخواهندبود.

بلی ! علامت شاهراه نشان میدهدکه راه درازی برای رسیدن به سرمنزل مقصود باقی نمانده است، اینکه درآینده جهان آبستن چه حوادثی خواهدبود، معلوم نیست . /

****

نامهٔ تبریکی

فاضل محترم وگرامی آقای مشتاق احمد کریم نوری، متصدی پروگرام (دریچهٔ سخن) درنیویارک، احتراما به عرض میرسانم :قراریکه اطلاع حاصل کردم، دومین سال نشراتی دریچهٔ سخن رامع الخیرشروع میکنید، خیلی خوش شدم، مبارک باشد. بدین مناسبت ازجانب خودوجمع غفیری ازافغانهای گرامی به جناب شماشخصیت دانشمند ومطبوعاتی وشنوندگان گرامی، همکاران صدیق تان وملت مجاهدوقهرمان ماشادباش گفته، موفقیتهای بیشترتانرازبارگاه خداوندبزرگ آرزومیکنم. آمین .واقعا پروگرام دریچهٔ سخن در سال گذشته، جریانات مهم سیاسی، اجتماعی بین المللی خاصتامسایل مهم وملی کشورمارا وقتافوقتاعالمانه تحلیل نموده درایالات متحده و درسایرکشورهابه سمع هموطنان رسانیدیدکه البته خدمات ارزشمندجناب شماقابل ستایش است، چراکه هموطنان ما ازهرگوشه وکنارجهان درموردمسایل مهم وملی افغانستان سؤالات دارندشمابه پاسخ آنان میپردازید. کامیابیهای همیشگی تانرا آرزو دارم. صفی الله التزام، ژورنالیست میدیای آزادافغان در نیویارک، ماه می ۲۰۱۶ /

خاطرات استادان وشاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود ترشرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرابه آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه دسمبر ۲۰۱٦ ارسال دارند.

تلفون ٤٦٠٤ـ٤٣٥ـ ٥٧١
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 25, Issue No. 1023 , August 10, 2016, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

کتاب (یادداشتهای استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری وآقای افضل ناصری،به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانندیک نسخهٔ آنرااز مرجع ذیل بدست بیاورند :
Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, $19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

PHONE # (510) 792-2629 | BANK OF AMERICA | ACCT # 06636-74303

خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.

بنیاد پناه
PANAH
CHARITY FOUNDATION

PANAH CHARITY
P.O.BOX 3131
SAN RAMON, CA 94583
www.panahcharity.org
rbenish@panahcharity.org
501c (3)

آتش سوزی درکابل ... (دنباله ازصفحهٔ اول)

محمد بصیر مجاهد سخنگوی قوماندانی امنیه کابل تائید نمود، یک نفر دراین حادثه جان باخته است، این فرد ازاثر وارخطایی خود را از طبقه بالایی این ساختمان به بیرون انداخت و سرانجام درگذشت .مجاهد این ادعا را رد میکند که گویاپلیس اطفائیه با تاخیر به محل واقعه رسیدند، او گفت که موظفین از چند استیشن کابل به ساحه رسیدند، اطفائیه اردوی ملی نیز درهمکاری باپلیس اطفائیه داخل اقدام شد. امابه دلیل اینکه اکثریت دوکانهای مارکیت بزرگ پرازلباس ومواد کیمیاوی میباشد، مجادله باآتش را جدی ترساخته با آنهم پلیس اطفائیه درحال مهارکردن آتش است وباموفقیت عمل میکند .

سخنگوی قوماندانی امنیه ولایت کابل این ادعا را که گویا حادثه ناشی از یک عمل تخریبی است یک حرف قبل از وقت خواند، اوگفت: یک تیم تخنیکی علل وچگونگی حادثه را بررسی میکند با ختم بررسی این تیم میتوان در رابطه به علل و چگونگی حادثه سخن گفت .

وزارت دفاع ... (دنباله ازصفحهٔ اول)

به عقیدهٔ آگاهان سیاسی ونظامی جنگ افغانستان پرهزینه ترین جنگ برای امریکاومتحدین غربی آنست، مگرآنچه مهم است هزینه بزرگ این جنگ به مصارف عساکرامریکاوغرب برمیگردد، یعنی مصرف یک عسکرامریکاچندین مرتبه بلندترازمصرف یک عسکرافغانی است پس اگر حرف از مصارف بزرگ دولت امریکا درافغانستان است و مالیه دهندگان امریکااز آن شکوه دارند، آنها باید متوجه حجم مصارف عساکر خود باشند.

همکاری پلیس اتحادیه اروپا باتیم حقیقت یاب

۱۴اگست/کابل –باختر: فرانس میشل میلبند سفیر اتحادیه اروپا در افغانستان با حاجی محمد محقق معاون ریاست اجرائیه در کاخ شورای وزیران دیدارنمودو پیرامون حادثه دهمزنگ، برق مناطق مرکزی و انتخابات بحث و تبادل نظر صورت گرفت. سفیر اتحادیه اروپاضمن تسلیت گفتن حادثه خونین دهمزنگ که در آن صدها تن شهید و زخمی شدند، این حمله تروریستی را محکوم نمود. طرفین روی تحقیق همه جانبه پیرامون حادثه دهمزنگ تاکید کردند.

معاون ریاست اجرائیه گفت: دولت وحدت ملی خواهان این است که جامعه بین المللی در قسمت ابعاد تخنیکی، تیم حقیقت یاب را یاری نماید تا جوانب قضیه به طور همه جانبه واضح گردد.در مقابل سفیراتحادیه اروپاخاطرنشان کردکه ماموریت پلیس اتحادیه اروپا نیزخواهان روشن شدن جوانب این حادثه بوده و تیم حقیقت یاب راهکاری خواهند کردو علاوه نمودکه ماموریت پلیس اتحادیه اروپاتجربه بیشترازدهسال را درافغانستان دارد و در بخش های تخنیکی با هیئت حقیقت یاب همکاری مؤثر خواهند کرد.

در ادامه صحبتهامعاون ریاست اجرائیه پیرامون اوضاع کشور و برق مناطق مرکزی جزئیات ارایه نموده و افزودبرق مناطق مرکزی در زمان کرزی ازمسیرسالنگ تصویب شده بود. من باسروردانش معاون رییس جمهور خواهان تخصیص برق به مناطق مرکزی شدیم. پس از آنکه اعتراضات گسترده شد، کمسیون برای بررسی مجدد تعیین شدو دولت پس از بررسی و پیشنهادکمسیون موظف برای مناطق مرکزی لین ۲۲۰ کیلوولت را با ظرفیت ۳۰۰ میگاوات برق تخصیص داد. محمدمحقق افزود : کسانیکه این فیصله را قبول نکردند دلایل و ملاحظاتی داشتندکه بایددرفضای مسالمت آمیزحل میشد. او در رابطه با کسانیکه خواستار تغییر زود هنگام حکومت اند اظهار نمود ما از آنهامیخواهیم صبرکنند تا زمان انتخابات فرارسد تا خودشان یا تیم شان واردمیدان سیاسی شوند و قضاوت در دست مردم خواهد بود .

صحبتهای اخیر آنان در مورد انتخابات افغانستان بود. معاون ریاست اجرائیه خاطر نشان کردند که با وجود تهدیدات امنیتی، دولت برای اصلاح نظام انتخاباتی و برگزاری انتخابات مصمم است، ولی برخی مسایل است که روی آن بحث جریان دارد .سفیر اتحادیه اروپا ضمن اعلام آمادگی جامعه جهانی برای حمایت از برگزاری انتخابات آزاد و شفاف در افغانستان، خواهان ترتیب پلان انتخابات از سوی حکومت افغانستان شدند.

اتخاذ تصمیم اساسی دربارهٔ امنیت شمال

۱۴اگست/کابل –باختر: داکترعبدالله در دیداربا شماری از بزرگان، متنفذان و جوانان ولایت بدخشان مشکلات امنیتی، اقتصادی وبیکاری را دراین ولایت مورد بررسی قرار داده وعده سپرد که برای حل این چالشها، اقدامات عملی وجدی صورت میگیرد. اشتراک کنندگان؛ مشکلات امنیتی، ضرورت کمک به بیجاشدگان ناشی از ناامنیها، بیکاری و فعالیتهای غیر قانونی افراد مسلح غیر مسوول را با رئیس اجرائیه درمیان گذاشته خواستارتوجه حکومت به حل این چالشهاشده تاکیدکردندکه مردم از حکومت میخواهند درزمینه تقویت نیروهای امنیتی، راه اندازی عملیاتهای تصفیوی و تهاجمی، جلوگیری ازتحرکات دشمن وسرکوب گروههای دهشت افگن توجه فوری و همه جانبه نماید. هم اکنون باشندگان این ولایت از افزایش ناامنی هادر یمگان، کران و منجان و کشم نگرانی دارند.

رئیس اجرائیه با ابرازقدردانی ازهمکاریهای مردم بدخشان باحکومت و نیروهای امنیتی گفت: در باره مسایل امنیتی ولایت بدخشان در شورای امنیت بحث کرده ایم، شب گذشته نیزدریک جلسه مشترک بانماینده های مردم در مجلس، مسوولان امنیتی و قوماندان عمومی نیروهای ناتو در افغانستان وضعیت امنیتی شمال بویژه قندز و بدخشان را به بحث و بررسی گرفتیم، بعدازارزیابی چالشهای امنیتی ولایات شمالی، مشکلات امنیتی این ولایات را دسته بندی نموده و به نهادهای امنیتی وظیفه سپردم که اقدامات عملی را برای سرکوب طالبان وتصفیه مناطق تحت کنترول آنان روی دست بگیرندکه اینکارهم دردومرحله؛ کوتاه مدت و دراز مدت انجام می شود.برای بررسی وضعیت فعلی ولسوالی کران و منجان یک هئیت از مرکز فرستاده میشود که مشکلات این ولسوالی راطور دقیق ازنزدیک بررسی کند تا براساس آن تصمیم گرفته شود. اما برای حل مشکلات بیجا شدگان کمکهای فوری صورت میگیرد.

حضورکماندوهای تازه نفس طالبان درهیرمند

۶ اگست/کابل –صدای امریکا: یک نیروی تازه نفس طالبان در هیرمند، نیروهای امنیتی افغانستان رابا آزمون مواجه ساخته اند. حضور این کماندوهانشان میدهدکه طالبان برای برابری باردوی ملی افغانستان که تخصصی شده میرود، خود را آماده ساخته اند. برای طالبان، ولایت هیرمندیک مرکزحیاتی میباشد. برعلاوه اینکه ازنظرقومی باباشندگان پشتون همسویی دارند، این ولایت تولید کننده حداعظم تریاک بوده و مخارج طالبان را در جنگ باحکومت، فراهم میکند.طی چندهفته اخیر، طالبان ساحات بزرگی ازاین ولایت راتسخیر کرده وحال درتلاش تصرف لشکرگاه مرکزولایت هیرمند میباشند.

مقامهای افغان درهیرمند میگویندارودی ملی بانیروی به مراتب منظمتر وماهرتر روبرومیباشدزیراطالبان کسانی رابه جنگ فرستاده اندکه به نظر میرسدعضو کدام واحد کماندوهستند و گفته میشود تعداد این جنگجویان به صد ها تن میرسد.

تائید موجودیت این واحد: یک قوماندان طالبان موجودیت همچو واحد بسیارآموزش دیده راتائید کرده است. این قوماندان ارشد طالبان که به شرط افشانشدن نامش بااسوشیتدپرس صحبت کردگفت شمار این جنگجویان به حدودسه صدنفرمیرسد و نام این واحد سره خیته میباشد.

اطلاعات بیشتری درمورداین واحددردست نیست امامقامهای غیرنظامی درهیرمند میگویندرهبری این واحد را حاجی ناصر، قوماندان عملیاتی پیشین طالبان درقندهار وزابل، عهده دارمیباشد. عبدالمجید آخندزاده، رئیس شورای ولایتی هیرمندگفت این گروه بسیارخطرناک، درآغاز به ولسوالی سنگین سوق داده شده و موفقیت شان منجر به توسعه این واحد شده است.

طی شش ماه اخیر طالبان شیوه های جدیدی را در پیش گرفته اند. به طورمثال، درولایت ارزگان جاده ها رامسدودکردند تا حکومات محلی درشهرکها وقصبات رادر مضیقه کمبود موادقراردهند. به این ترتیب آنهابدون آنکه تلفات شان زیادشودقلمروتحت کنترول خودرا وسیعتر ساختند.درولایت قندهار، جنرال عبدالرازق تائیدکردکه این نیروی جدیدطالبان وجود دارد. اوگفت طالبان شیوه های خود راتغییر داده و شدیداً مسلح شده اند.

مهارت واحدهای ویژه طالبان:واحدسره خیته، به گزارش اسوشیتدپرس از نشان زنهابرای حفاظت ازجنگجویان درجریان حملات شبانه بر نیرو های حکومتی، استفاده میکنند. با این اقدام، طالبان موفق شده اند در یک شب چندین حمله را بر نیرو های امنیتی انجام داده و از جدا شدن جنگجویان خودجلوگیری کرده اند. آخندزاده گفت این گروه طالبان درحملات شبانه ازعینکهای شب بین استفاده میکنندبهمین علت میزان حملات شان در شب بیشتر شده است. درولسوالی سنگین، کاکوآغا یکی از بزرگان محل گفت این گروه آنقدر ماهر است که فقط چهار تن از آنان قادر شدند تعمیر حکومتی و قوماندانی پلیس را که بیش از ۲۰ منسوب پلیس در آن مستقر بود، تصرف کنند.

تلفات نیروهای امنیتی : این درحالیست که شمارتلفات نیروهای امنیتی افغانستان بر اساس گزارش قوماندانهای امریکایی افزایش یافته است. جنرال جان نیکلسن، قوماندان ارشد امریکا در افغانستان ماه قبل گفت که سال قبل شمارتلفات بیست هزارنفرکشته بودوامسال شمار تلفات ۲۰در صد بلند تر شده است.

کریم اتل عضو شورای ولایتی هیرمندگفت طی چند هفته اخیر صد ها نیروی امنیتی درآن ولایت کشته شده اند، ازماه جولای تاحال ۵۸۶ پلیس و سربازو ۲۵۰غیرنظامی کشته یازخمی شده وطالبان کنترول ۸۰درصداز ولایت هیرمندرا دردست دارند. اوگفت مامورین حکومتی رشوه خوربوده وقادربه اداره این ولایت نمیباشند، نیروهای امنیتی متحد نبوده و هماهنگ عملیات نمی کنند.

مردم هیرمند میگویندا‌گرحکومت اقدامی برای متوقف کردن پیشروی طالبان نکند، آنهامجبوراندبرای متوقف کردن جنگ به طالبان بپیوندند.

پلان انتقال شورای کویته به هیرمند ناکام شد

۴ اگست/کابل- صدای امریکا: هیرمندولایت همسرحدباپاکستان، از دیر زمانی شاهدجنگهای شدید بین نیروهای افغان و طالبان بوده است.وزارت دفاع افغانستان امروزاعلام کردکه باتشدیدجنگ درهیرمند، (دشمن) میکوشیدآن ولایت را سقوط داده وشورای کویته رادرآن جابجاسازد تا جنگ کنونی افغانستان رایک جنگ داخلی، معرفی کند. وزیری مشخصاً ازکدام دشمن نام نبرد اماحکومت، بویژه احمدزی چندبارتأکیدکرده که کشورش با پاکستان دریک جنگ اعلام ناشده قراردارد. کابل مدعیست که اسلام آبادخواستارختم جنگ در افغانستان ومبارزهٔ جدی دربرابرطالبان درپاکستان نیست.طالبان چندروزپیش توانستندولسوالی خانشین هیرمند را درامتداد خط دیورند، برای مدتی تصرف کنند.

ادارهٔ سرمفتش خاص ایالات متحده برای بازسازی افغانستان موسوم به سیگاربانشریک گزارش روزجمعه خبرداد‌که حکومت افغانستان در پنج ماهٔ نخست امسال پنج درصد مناطق تحت تسلط خودرا ازدست داده که چندپارچگی

درصفوف اردوی ملی اثراتی بر کارکرد سربازان درخط مقدم نبردداشته است. یافته های سیگارنشان میدهد که ساحات زیر اداره و تاثیر دولت افغانستان تا پایان ماه می به ۶۵٫۶درصد می رسید اما این میزان پنج ماه پیش از آن، جنوری امسال ۵۰٫۷٪ گزارش شده بود. طبق این گزارش باوجودمصرف نزدیک به۱۷ ملیارد دالر در راستای ایجاد وتقویت نیروهای ملی دفاعی وامنیتی افغانستان، این نیروها هنوزهم محتاج کمکهای بیرونی اند.

بازرسی سیگار نشان میدهد که از جمله ۴۰۷ ولسوالی، ۲۶۸ آن تحت کنترول ویا نفودحکومت بوده، ۳۶ ولسوالی در ۱۵ ولایت تحت کنترول و یا نفوذ طالبان است و ۱۰۴ ولسوالی دیگر در معرض خطر قرار دارند. ازجمله ولسوالی هایکه درآن ازحضور طالبان یاد شده است ۹ ولسوالی در ولایتهای هیرمند، بدخشان، غزنی، سرپل، و زابل بطور مستقیم تحت تسلط طالبان قرار دارند.

امادرتازه ترین واکنش، وزارت دفاع افغانستان اعلام کردکه تنهادر جنگ ننگرهار، جنگجویان مخالف از پنج ولسوالی شینوار تصفیه شده واکنون، عملیات پاکسازی ولسوالیهای هسکه مینه، سپین غر و اچین جریان دارند.

جز پنجشیر درهمه ولایات‌جنگ روان است

۱۳اگست/کابل – صدای امریکا:مشاورامنیت ملی میگویددهشت افگنان بین المللی به کمک ادارهٔ استخبارات نظامی پاکستان یا آی اس آی در ۳۳ولایت افغانستان جنگ راشعله ورساخته اند.محمد حنیف اتمر روز سه شنبه در دیدار با بزرگان، فعالان و اعضای شورای ولایتی قندزگفت درشش ولایت شمول قندزجنگ بشدت جریان دارد.یگانه ولایت که درآن جنگ نیست، پنجشیرمی باشد، اماشماری ازولایتهابگفتهٔ مقامهای امنیتی باسطح پایان تهدیدها روبرو میباشند.

تواب غورزنگ سخنگوی شورای امنیت ملی گفت شش ولایت معروض باسطح بلندتهدیدجنگ ولایتهای ننگرهار، پکتیکا، قندز، هیرمند، قندهار و ارزگان میباشند، نیروهای افغان بادر نظرداشت تهدید جنگ درهرولایت، عملیات نظامی روزانهٔ خودراتنظیم میکنند. او افزود درهرولایتی که تحرکات دشمن ولوبسیارکم وجود داشته باشد، حکومت آنرا تهدید امنیتی می پندارد.

اتمر درحالی ازگسترش جنگ تقریباً درسرتاسرکشور خبر می‌دهد که مذاکرات صلح میان حکومت افغانستان و طالبان به تعلیق درآمده و حملات اخیرانتحاری آن گروه صدهاکشته و زخمی برجاگذاشته است.

این نخستین بارنیست که مقامهای افغان استخبارات پاکستان را به حمایت از طالبان وسایردهشت افگنان درگیر جنگ در افغانستان متهم میکنند، اماپاکستان همواره این اتهامات راردکرده وخودراقربانی تروریسم خوانده است.

حمله برمهمانخانه خارجی‌ها درکابل پایان یافت

اول اگست/کابل – صدای امریکا:قوماندان امنیه کابل میگویددر نتیجهٔ گلوله‌باری مهاجمین، یک پلیس کشته شدوسه تن دیگر زخم برداشتند.مهاجمان دربگرام درسرک نو دسپیچری، حمله کردند که پس از هفت ساعت درگیری باکشته شدن مهاجمان صبح دوشنبه پایان یافت.

جنرال عبدالرحمان رحیمی قوماندان امنیه کابل گفت درآغازیک مهاجم موتر مازدای مملوازموادمنفجره رامقابل دیوارمحافظتی مهمانخانهٔ نورث گیت منفجرساخت ودومهاجم دیگرتلاش کردنداداخل مهمانخانه شوند؛ امادرنتیجهٔ مقاومت پلیس مهاجمین در یک سرای کانتینرها نزدیک مهمانخانه پناه بردند. برای اینکه میان نیروهای امنیتی افغان و محافظین نیپالی مهمانخانه نورث گیت درگیری رخ ندهد، نیروهای افغان مهاجمین رادرسرای محاصره کردندتاساعت سه‌ونیم صبح که هوا روشن شدوسپس عملیات خودراآغازکردیم که در نتیجه هر دو مهاجم از پا در آمد.

ذبیح‌الله مجاهدیک سخنگوی طالبان دراعلامیه‌ایکه به رسانه‌ها فرستاده است، ادعای کشته‌شدن حدود صد خارجی را در این حمله کرده است.

این حمله پس ازحمله برمظاهره کنندگان جنبش روشنایی در دهمزنگ کابل درحدود دوهفتهٔ گذشته، یک حمله قوی می‌باشدکه پس ازنیمه شب گذشته درشهرکابل، آرامش مردم را به هم زد .

دادن دوسند هویت خلاف قانون است

۶اگست/کابل –بی بی سی:پس ازاعلام توزیع شناسنامه‌های ملی به همراه برگه حاوی اطلاعات مفصل از جمله قومیت و درج واژه افغان، شماری از اعضای مجلس سناز این طرح انتقادکرده‌اند. پس ازنزدیک به دو سال از تصویب قانون ثبت احوال، که طرح و اطلاعات شناسنامه ملی درآن مشخص شد، حکومت وحدت ملی اعلام کرداین شناسنامه‌ها توزیع می‌شود.جنجال اصلی در این مدت درج شدن یا نشدن واژه افغان بعنوان ملیت شهروندان است، ولی درطرح تازه حکومت آمده که به شهروندان افغانستان علاوه برشناسنامه ملی مطابق طرح قانون ثبت احوال، برگهٔ حاوی این اطلاعات هم داده خواهد شد.

امابعضی سناتوران گفتندطرح تازه مغایرقانون است چراکه بایدبه شهروندان تنها شناسنامه الکترونیک داده شود. سناتور زلمی زابلی، توزیع دو سند به عنوان سند هویت به شهروندان را خلاف عرف و قانون دانست. به گفته او، طرح حکومت وحدت ملی چیزی است که سران حکومت بین خود آن را ساخته‌اند. اوبا استناد به قانون اساسی تاکید کرد که همه شهروندان کشورافغان خوانده می‌شوند و بنابراین، در شناسنامه ملی باید این واژه به عنوان ملیت شهروندان درج شود .

چیزی که قانون ثبت احوال نفوس آن را اجازه نمی‌دهد.